



57

Vol. 15
Winter 2022
P.P: 11-53

Research Paper

Received:
2022-04-19
Revised:
2023-02-18
Accepted:
2023-03-15
Published:
2023-03-15

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Deepening the occasions of Chin and israel nd the influence of the benefits and security of Iran

Sirous Hajizadeh¹

Abstract

The anarchic environment of the international system and the absence of a dominant and legitimate power obliges each of the actors to take advantage of their desired capacity, goals and interests in the complex and networked environment of the international system. Due to its strategic weaknesses, Israel is trying to develop its relations with China comprehensively in order to improve its regional position and improve its global image and international position. No matter how much the level of cooperation and interactions between Beijing and Tel Aviv expands, it will actually have a negative effect on Iran's security and interests and vice versa. In this process, including the consequences of strengthening and developing relations between China and Israel, approaches such as; The gap between Iran and China, the negative impact on Iran's desired peace process in the Palestinian issue, Israel's persuasion of China not to sell weapons to Iran, the formation of Jewish groups and lobbies against Iran's interests in China, the disruption of Iran's oil and gas sales market to China is accompanying China with Israel's favorable regional order and not supporting Iran in its nuclear program. The elaboration of this research is descriptive-analytical. Data collection is also arranged in a qualitative method and in the form of documents and libraries.

Keywords: China; Israel; Iran; Relations; Region.

1. Corresponding author: PhD in Regional Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran

syrus.h@yahoo.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.57.5.6

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





تعمیق مناسبات چین و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران

سپروس حاجی‌زاده^۱

چکیده

محیط آنارشیک نظام بین‌الملل و نبود یک قدرت مسلط و مشروع، هر یک از بازیگران را ملزم به بهره‌گیری از ظرفیت، اهداف و منافع مورد نظر خود در محیط پیچیده و شبکه‌ای نظام بین‌الملل می‌کند. رژیم صهیونیستی به دلیل ضعف‌های راهبردی سعی دارد برای ارتقاء موقعیت منطقه‌ای و بهبود چهره جهانی و جایگاه بین‌المللی، مناسبات خود را با کشور چین به صورت همه‌جانبه توسعه دهد. به هر میزان سطح همکاری و تعاملات پکن-تل‌آویو گسترش یابد، عملاً بر امنیت و منافع ایران تأثیر منفی می‌گذارد و بر عکس. در این روند، پیامدهای تعمیق مناسبات چین و رژیم صهیونیستی، رویکردهایی نظیر؛ شکاف میان ایران و چین، تأثیر منفی بر روند صلح مطلوب ایران در موضوع فلسطین، ترغیب چین از سوی رژیم صهیونیستی مبنی بر عدم فروش تسلیحات به ایران، تشکیل گروه‌ها و لابی‌های یهودی علیه منافع ایران در چین، اختلال در بازار فروش نفت و گاز ایران به چین، همراهی چین با نظم مطلوب منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و عدم حمایت از ایران در برنامه هسته‌ای می‌باشد. مفصل بندی این پژوهش با روش توصیفی-تبیینی مبتنی بر روش کیفی است؛ شیوه گردآوری داده‌ها نیز به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای تنظیم یافته است.

کلیدواژه‌ها: چین، رژیم صهیونیستی، ایران، مناسبات، منطقه، منافع و امنیت.

۱. نویسنده مسئول: دکتری حوزه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران

syrus.h@yahoo.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.57.5.6



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

مناسبات چین و رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر براساس سیاست درهای باز چین از یک سو و سیاست خارجی توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی از سوی و نیز کاهش نقش آمریکا در منطقه، روندی صعودی قابل تأملی را تجربه نموده است. در حقیقت، فرایند مشارکت راهبردی در سیاست خارجی چین بیشتر مدلی از دیپلماسی است که بستر را برای تعامل با سایر دولت‌ها فراهم می‌کند. مدل همکاری چین و رژیم صهیونیستی نیز بیشتر در قالب همکاری‌های منطقه‌ای مطرح است. چین همکاری راهبردی مشابهی را در قالب برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله با ایران نیز تدوین نموده است که به مراتب از جایگاه بالاتری در مقایسه با الگوی همکاری مُرتب بر روابط چین و رژیم صهیونیستی برخوردار است. با این وجود، مهم‌ترین مولفه‌های مفهومی مؤثر بر مدل همکاری پکن - تل‌آویو مواردی نظیر؛ برخورداری از تنوع و گستردگی کارکردی بالا، سیالیت، غیرایستایی، پویایی و ایجاد تعهد بلندمدت می‌باشد که باعث شده نوع روابط دوجانبه بیش از پیش تعمیق گردد. اگرچه چین ملاحظات در مورد منازعه رژیم صهیونیستی - فلسطینی، در مورد شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی و نیز محاصره اقتصادی غزه دارد، اما وجود برخی پیوندهای فرهنگی و اشتراک منافع، دو طرف را به سوی همگرایی سوق داده است. چین به طور همزمان با رژیم صهیونیستی و فلسطینیان روابط دو سویه دارد. (Lin, Christina, 26 July 2014) در واقع چین اهتمام خود را برای به تصویر کشیدن خود به عنوان قدرتی جهانی با مسئولیت‌پذیری بیشتر آغاز کرده است. در پرتو این امر، رژیم صهیونیستی نیز به دلیل تنگناها و چالش‌های راهبردی و با رویکرد توسعه‌طلبانه روابط خود با قدرت‌های بزرگ و به ویژه چین توسعه داده است. ماهیت مناسبات چین و رژیم صهیونیستی، باعث شده است تا ابعاد و پیامدهای آن در سطح روابط پکن - تل‌آویو باقی نماند و بازیگران ثالثی چون؛ آمریکا، تایوان، فلسطین، ایران و بخش وسیعی از جهان عرب را متأثر سازد. هدف رژیم صهیونیستی از تعمیق مناسبات با چین بهره‌گیری از تأثیرگذاری جهانی چین بر امور بین‌الملل، بازار مصرف بزرگ، حجم تولید صنعتی گسترده، و پویایی رو به رشد اقتصادی این کشور بوده است. چین نیز بیشتر به دنبال فناوری پیشرفته و شرکت‌های دانش‌بنیان رژیم صهیونیستی به منظور توسعه رقابت اقتصادی بین‌المللی و

جبران کمبودهای خود را در این زمینه است. هم‌اکنون بیش از هزار شرکت نوپا رژیم‌صهیونیستی در چین فعالیت دارند (Zhang Dan, June 6, 2015). مناسبات چین با رژیم‌صهیونیستی بیشتر در زمینه انرژی خورشیدی، روباتیک، مخابرات، سیستم‌های آبیاری، ساخت‌وساز، فناوری کشاورزی، مدیریت آب و تکنولوژی نمک‌زدایی برای مبارزه با خشکسالی و کمبود آب بوده است (Thomas L. 1985-07-22 Friedman,). در این پیوند، شرکت‌های بزرگ و مهم چینی که در صنایع رژیم‌صهیونیستی سرمایه‌گذاری کرده‌اند عبارتند از: (China Everbright, Horizons Ventures, Brightfood, ChemChina, Fosun) (Cukierman, Atimes.com 2016-10-11) روابط چین با رژیم‌صهیونیستی به توسعه سایر زمینه‌ها از جمله توریسم منجر شده است. در این زمینه، رژیم‌صهیونیستی با امضای یک توافقنامه ویزای چندبار ورود ۱۰ ساله با چین را در سال ۲۰۱۶، به منظور ایجاد فرصت‌های گردشگری را افزایش داده است. سال ۲۰۱۸، بیش از ۱۰۰ هزار توریست رژیم‌صهیونیستی از چین بازدید کرد. این رقم در سال ۲۰۱۵، ۳۰ هزار بود (Bo, Xiang January 23, 2018) این امر بیانگر روند رو به رشد جابه‌جایی گردشگر میان طرفین است که می‌تواند به تدریج استحکام روابط دو جانبه را فراهم سازد. در زمینه تعاملات آموزشی، حجم دانشجویان دو طرف که در چرخه تبادل علمی قرار گرفته‌اند نشان‌دهنده توسعه سطح روابط فرهنگی دو طرف باشد. دو طرف با هدف ارتقاء همکاری‌های راهبردی و آموزش عالی «برنامه عملی همکاری نوآورانه چین و رژیم‌صهیونیستی» را به امضاء رسانده‌اند (Galia and, Doron, 2018) با وجود عدم قرابت جغرافیایی و جمعیتی، طی سالیان اخیر چین و رژیم‌صهیونیستی همکاری‌های سازنده‌ای را در عرصه خدمات پزشکی و پیراپزشکی داشته‌اند تا از این طریق فناوری و دانش ابتکاری خود را به نوعی تجاری‌سازی نمایند. آکادمی پزشکی بین‌المللی به‌عنوان یکی از شرکت‌های رژیم‌صهیونیستی در امر آموزش پزشکی تلاش دارد از طریق انتقال دانش و همکاری با کارشناسان ارشد بهداشت و مؤسسات برجسته به متخصصان چینی خدمات دهد. از منظر همکاری‌های نظامی - امنیتی، طرفین طی سالیان اخیر، علی‌رغم برخی ملاحظات راهبردی، سطح بالایی از همکاری‌های دوجانبه را در عرصه‌های نظامی و سیاسی داشته‌اند. تل‌آویو به سبب تأمین فناوری‌های تخصصی نظامی برای پکن، پس از روسیه در رتبه دوم مهم‌ترین شرکای نظامی چین قرار دارد. رژیم‌صهیونیستی با استفاده از تجهیزات غربی به

منظور تکمیل تسلیحات ساخت شوروی به نوسازی ارتش و نیروی هوایی چین کمک کرد. از سویی نیز از فروش تسلیحات نظامی به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کند. چینی‌ها همواره بر پایه اصل هزینه - فایده و مبتنی بر مقتضیات و منافع اقتصادی تلاش کرده‌اند، مناسبات خود را علی‌رغم اصطکاک راهبردی بین ایران و رژیم صهیونیستی بر اساس منافع خود تنظیم نمایند. اما مدیریت این روابط همواره با پیچیدگی‌هایی مواجه بوده است، رژیم صهیونیستی‌ها به انحاء مختلف و به طور آشکار و پنهان درصدد ایجاد محدودیت و کاهش روابط چین با ایران هستند. پیشنهاد اصلی این پژوهش مبتنی بر آن است که کارگزاران دستگاه دیپلماسی می‌باید ضمن پرهیز از هرگونه نگاه بخشی، حزبی و مصلحتی و عبور از رویکرد سیاسی به فرایند تخصصی مبتنی بر گفتمان دیپلماسی اقتصادی در برقراری رابطه با پکن تلاش نمایند تا از این منظر، علاوه بر دفع تهدیدات بیرونی، اهداف و اولویت‌های راهبردی بلندمدت کشور در بزنگاه‌های حساس نیز محقق گردد. به جهت تبیین موارد مطروحه، مفصل‌بندی این پژوهش به دنبال پاسخگویی به دو سوال کلیدی است: نخست؛ روند مناسبات چین و رژیم صهیونیستی چگونه است؟ دوم؛ تعمیق مناسبات چین با رژیم صهیونیستی، چه تهدیداتی را متوجه امنیت ملی ایران می‌کند؟

پیشینه و ادبیات پژوهش:

پژوهشگر	عنوان مقاله	یافته‌ها
شریعتی‌نیا و میرعمادی ۱۳۹۸	تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین	این پژوهش نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در پیشبرد ابعاد مختلف دیپلماسی خود، هرچند دارای درجه‌ای از استقلال در تصمیم‌گیری است، اما در بعد دیپلماسی تسلیحاتی، به دلایلی که در مقاله تبیین می‌شود، عملاً نسبت به فشارهای آمریکا حساس بوده است.
شیخ الاسلامی و همکاران ۱۳۹۸	اهمیت وجایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال رژیم صهیونیستی	این پژوهش، جایگاه رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی چین را مورد بررسی قرار داده، سپس با نگاهی به مناسبات دوجانبه سیاسی امنیتی و اقتصادی فرهنگی چین با رژیم صهیونیستی و رویکرد آمریکا نسبت به چین به این نتیجه دست یافته که با توجه به محدودیت‌های اعمالی از سوی آمریکا در دسترسی چین به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز، مهمترین عامل موثر در سیاست خارجی چین در قبال رژیم صهیونیستی، کسب فناوری‌های مورد نیاز در عرصه‌های گوناگون بوده است.

وی معتقد است؛ آئین یهود بیش از آنکه به مذهب و تمدن غرب همخوانی داشته باشد، با شرق همسو است. غرب در دایره تنگ درد، گناه و نگاه منفی مانده است. اما انرژی مذاهب شرقی به مراتب مثبت تر است. وی می افزاید؛ ما [یهودیان] برای مدت های طولانی با رویکرد مذهبی غربی شناخته شده ایم و در نتیجه بخش زیادی از این گناه و رنج را با خود به ارث برده ایم. اکنون فکر می کنم در جستجوی یک متحد جدید، عاطفی تر در شرق دور برای رژیم صهیونیستی و همه یهود باشیم. روسن امیدوار است رهبران کنونی رژیم صهیونیستی اشتباه گذشتگان را مرتکب نشوند	رژیم صهیونیستی و یهود باید غرب را فراموش و به شرق نگاه کنند	جرمی روسن Jermy rosen ۲۰۱۳
وی با نگاهی معتدل تر نسبت به جرمی با یادآوری این نکته که رژیم صهیونیستی می بایست با اتخاذ رویکرد ایجاد توازن در سیاست خارجی، مناسبات خود را تنظیم نماید.	رژیم صهیونیستی در جستجوی شرق:	نیمرو د آسولین Nimrod asulin ۲۰۱۲
وی با دفاع از رویکرد نگاه به شرق رژیم صهیونیستی، آن را سیاستی درست و به هنگام می خواند و می نویسد: این تمرکز جدید دیپلماتیک بر روی آسیا بسیار مهم است، حتی اگر این اقدام با تاخیر صورت گرفته باشد. پیش بینی اکثر کارشناسان امور بین الملل بر این است که قرن بیست و یکم، قرن آسیا - پاسیفیک خواهد بود و بسیاری از تحولات امور بین المللی از آمریکای شمالی و اروپای غربی به این منطقه منتقل خواهد شد. بنابراین رژیم صهیونیستی باید در کانون این تغییر و تحول مهم و استراتژیک قرار گیرد.	تقویت کردن روابط آسیا و رژیم صهیونیستی	کولین رابین استین Colin Rubenstein ۲۰۱۱
این نویسندگان معتقدند؛ فکر کردن درباره رژیم صهیونیستی، معمولاً مناطقی چون غرب آسیا (به دلیل مشکلات رژیم صهیونیستی با همسایگانش)، آمریکای شمالی (به دلیل اتحاد نزدیک رژیم صهیونیستی و آمریکا)، و اروپا و (به دلیل تاریخ طولانی یهودیان اشکنازی در این قاره) را به ذهن خطور می کند. در این میان، به ندرت ما از [اسرائیل] و آسیا و حتی کمتر درباره آسیا به عنوان جبهه جدید رژیم صهیونیستی صحبت می کنیم. ما در نظر نمی گیریم که آسیا با وجود برخورداری از جوامع کوچک یهودی، عدم پیشینه تاریخی قابل توجه یهودیان در آسیا و وجود روابط حداقلی میان کشورهای آسیایی و رژیم صهیونیستی طی چهار دهه (۱۹۴۸ تا ۱۹۸۸)، نقش بسیار مهمی در روند تحولات رژیم صهیونیستی ایفاء نموده است. به همین دلیل است که سال ۲۰۱۲، سال آسیا در رژیم صهیونیستی نامیده شد و رژیم صهیونیستی میزبان ۲۲۰ دانشجوی آسیایی شد.	آسیا در حال تبدیل شدن به جبهه جدید رژیم صهیونیستی؛ چرا اینجا؟	جاناناتان آدلمن و آصف رومیروفسکی Jonathan Adelman & asef romirow sky

تعاریف مفاهیم

۱- منافع ملی: ^۱ مفهومی رایج در علوم سیاسی و روابط بین الملل است که سیاستمداران، رفتارها و تصمیمات خود را بر مبنای آن توجیه و تأمین آن را هدف غایی سیاست‌های داخلی و خارجی اعلام می‌کنند. جوزف فرانکل، منافع ملی را مفهوم اساسی سیاست خارجی می‌داند و معتقد است هدف‌های عام و همیشگی آن (حفظ تمامیت ارضی و حفظ حیات کشور) است که ملت در راه تحقق آن فعالیت می‌کند (فرانکل، ۱۳۷۳: ۱۱۸-۱۱۷). آر. آزگود عقیده دارد منافع ملی شامل؛ «حفظ سرزمین، حفظ استقلال و حاکمیت، حفظ نهادهای اساسی جامعه، کسب پرستیژ، تقویت قدرت ملی و کارایی در اداره مسائل خارجی» است (بهزادی، ۱۳۷۳: ۹۷) با این وجود، تعریف هانس. جی. مورگنتا، از منافع ملی به عنوان ستاره راهنمایی سیاست خارجی و «یک واقعیتی عینی» جهت طرح‌ریزی، بررسی و اقدام سیاست‌گذاران به منظور حفظ و ازدیاد قدرت کشور در روابط با کشورهای دیگر، مد نظر نگارنده در این پژوهش است.

۲- امنیت ملی: ^۲ در خصوص امنیت ملی ماکیاول معتقد است: (امنیت ما مساوی با ناامنی دشمن است و برعکس) به عبارت دیگر برای داشتن صلح در داخل مرزهای خود، باید در داخل مرزهای دشمن جنگ ایجاد کرد (ماندل، ۱۳۷۷: ۲). به تعبیر فرانک. ان. تراگر و اف. ان. سیمونی ^۳ امنیت ملی آن بخش از سیاست دولت است که هدفش ایجاد شرایط مساعد سیاسی ملی و بین‌المللی برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی در برابر دشمنان بالقوه و موجود می‌باشد. «مایکل اچ. لو» ^۴ معتقد است: امنیت ملی شامل سیاست دفاع ملی و نیز اقدامات غیر نظامی دولت برای تضمین ظرفیت کامل بقای خود به منظور اعمال نفوذ و حصول اهداف داخلی و بین‌المللی است. «پنلوپه هارتلند-تانبرگ» ^۵ نیز امنیت ملی را توانایی یک ملت برای پیگیری موفقیت آمیز منافع ملی خود در هر جای جهان به همان نحوی که خودش آنها را می‌بیند تعریف می‌کند (قنبرلو، ۱۳۹۷: ۴۳). هر تعریف از امنیت ملی متأثر از تشخیص، ارزیابی، و جمع‌بندی تعریف کننده قرار دارد و نمی‌توان مدعی یک تعریف کامل از این مفهوم بود. تعریف مدنظر از امنیت

1 National Interest

2 National security

3 Frank N. Trager and F. N. Simonie

4 Michael H. H. Louw

5 Penelope Hartland –Thunberg

ملی عبارت است از: توانایی یک ملت (نیروی محرکه) برای پاسداشت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و این که کشورها بتوانند با عقلانیت سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای خلق فرصت‌ها در جهت توسعه و پیشرفت کشور اتخاذ نمایند (حاجی زاده، ۱۴۰۰).

چارچوب نظری و تمهیدات توجیهی

برخی از پژوهشگران از جمله؛ مایکل برچر^۱، رابرت رابرتز^۲، ریموند هنبوش^۳، انوشیروان احتشامی، افیرا سلیکتار^۴ و ساسن سوفر^۵ کوشیده‌اند با مطالعه اهداف و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به یک الگوی تحلیلی جامع و علمی برسند. حاصل این تلاش‌ها مطالعه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی با سه رویکرد متفاوت بوده است. **رویکرد اول**؛ با اتخاذ رهیافتی واقع‌گرایانه و با لحاظ مولفه‌های امنیتی- نظامی رژیم صهیونیستی می‌پردازد. در چارچوب این رهیافت به رژیم صهیونیستی به عنوان یه قدرت برتر منطقه نگریسته می‌شود. **رویکرد دوم**؛ سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را همانند سایر کشورها و بدون توجه بیش از حد به مسائل امنیتی بررسی می‌کنند. **رویکرد سوم**؛ رفتار رژیم صهیونیستی را با توجه به ماهیت ایدئولوژیک آن مورد مطالعه قرار می‌دهد و معتقد است نگرش یهودی در تمام ابعاد شئون دولت رژیم صهیونیستی بسط یافته است. در هر یک از این رویکردها، برخی از مولفه‌ها و متغیرهای تاثیرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس مفروضات پیش گفته ناشی از رهیافت واقع‌گرایانه، نگرانی‌های امنیتی و اهداف ایدئولوژیکی توسعه‌طلبانه، سران رژیم صهیونیستی بر مبنای نظریه مدل کنشگر عقلانی مبتنی بر تحلیل هزینه - فایده^۶ که امروزه امری رایج در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی محسوب می‌شود با ارزیابی و تحلیل یک اقدام راهبردی از بر مبنای هزینه‌ها و منافع، تصمیم به توسعه مناسبات با چین گرفته‌اند که از نزدیک‌ترین شرکای سیاسی، اقتصادی و بعضاً دفاعی ایران هستند و می‌تواند به صورت مؤثری بر آینده منافع و امنیت کشورمان تاثیر بگذارد. اصولاً روابط راهبردی میان دولت‌ها نشانه‌هایی دارد که باید آنها را شناسایی و باز یافت، و سپس بر اساس آن نشانه‌ها، در خصوص راهبردی بودن روابط دو یا چند

1 Michel brecher

2 Rober robertts

3 Hinne bush

4 Ofira seliktar

5 S.sofer

6 Cos-Benefit Analysis

دولت تأمل کرد. بر اساس نظریه «آرنولد ولفرز» پیدایش و گسترش روابط راهبردی میان دولت‌ها اساساً هنگامی اتفاق می‌افتد که در عین همسویی در قلمرو «اهداف محیطی» آنها، ضرورتاً سطح نسبتاً بالایی از وابستگی متقابل و سینرژی در قلمرو «اهداف تملکی» نیز داشته باشند (ولفرز، ۱۳۸۴: ۲۳۹) از این منظر دیدگاه راهبردی همسویی توأمان دو یا چند دولت در راستای تحقق خواسته‌های مشترک است. شکل‌گیری روابط راهبردی میان دولت‌ها از جمله پدیده‌های سیاسی در سطح روابط بین‌الملل است که منافع دیگر بازیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ پیامد بلافصل نزدیکی دو دولت به یکدیگر تحت تأثیر قرار گرفتن حوزه منافع و امنیت دیگر دولت‌ها است. عطف به این قواعد راهبردی است که می‌توان در اهمیت روابط میان دولت‌ها در عرصه سیاست واقعی تأمل کرد. در این میان چین و رژیم صهیونیستی به رغم حضور تاریخی آنها در قطب‌های متضاد قدرت توانسته‌اند به روابط پایدار و در حال گسترش دسترسی یابند به گونه‌ای که می‌توان نشانه‌هایی از روابط راهبردی میان این دو مشاهده کرد. و این امر می‌تواند منافع و امنیت سیاسی کشور ما را در سطوح منطقه‌ای و جهانی با چالش و محدودیت مواجه سازد. از این رو درک چرایی و چگونگی تعمیق مناسبات چین و رژیم صهیونیستی از سطح تاکتیکی تا راهبردی و تأثیر آن بر حوزه منافع و امنیت ایران قابل بررسی است.

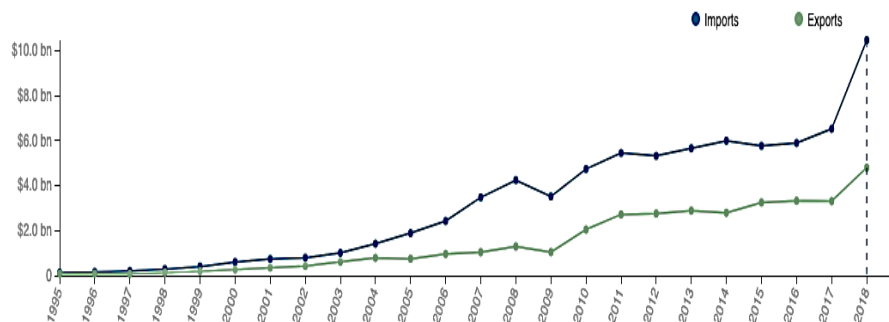
مروری تاریخی بر مناسبات چین و رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی از زمان تاسیس در سال ۱۹۴۸ میلادی، دولتی است با ویژگی‌های خاص که کمتر در دیگر واحدهای سیاسی جهان مشاهده می‌شود و طبعاً این ویژگی‌ها منجر می‌شود مطالعه رفتار خارجی آن با پیچیدگی‌های بسیار روبرو گردد. رژیم صهیونیستی دارای ویژگی‌هایی از قبیل ملت یهودی کوچک، تنها دولت یهودی جهان، دارا بودن روابط استراتژیک با آمریکا، قرار گرفتن در منطقه پُرتخاصم و محاصره توسط همسایگان، عدم وابستگی به اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای، برخورداری از ایدئولوژی و فرهنگ خاص، حفظ خویش از طریق بازدارندگی هسته‌ای و بالاخره امنیت محوری در تمامی ابعاد حکومت می‌دانند. بدیهی است عمده‌ترین علت در شکل‌گیری، بقاء و تداوم رژیم صهیونیستی متکی به قدرت‌های بزرگ می‌باشد. این واقعیت که تشکیل دولت یهود و حفظ آن بدون حمایت و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ امکان ندارد، ابتدا در ذهن

بنیان‌گذاران رژیم صهیونیستی نقش بسته بود. از این رو آنها از ابتدا بر این نکته توجه داشتند که برای پیشبرد و و منافع خود به حمایت و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ نیاز دارند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۳). تجربه دهه‌های گذشته و تحولاتی که در آن به وقوع پیوست، نشان می‌دهد که سیاست قدرت‌های بزرگ در حمایت از رژیم صهیونیستی به طور متناوب در نوسان بوده است. به عنوان مثال، بریتانیا که از سال ۱۹۱۷م، و با صدور اعلامیه بالفور نقش مهم و کلیدی در فلسطین ایفاء نمود، به یک باره خود را در مقابل هجمه اعراب دید و ترس از تهدید منافع این کشور در سطح منطقه، باعث تعدیل در سیاست یک‌جانبه حمایت از یهودیان شد که نتیجه آن محدود کردن مهاجرت یهودیان به فلسطین بود. سیاست شوروی نیز در قبال رژیم صهیونیستی متغیر بود. آن‌ها در ابتدا از ناسیونالسیم عربی حمایت می‌کردند اما پس از تحولات ۱۹۴۰م، این برداشت که اعراب با انگلیسی‌ها همسو هستند و صهیونیست‌ها با انگلیسی‌ها می‌جنگند (برای محدود سازی نقش بریتانیا در غرب آسیا) شوروی از جنبش صهیونیسم حمایت کرد. اتحادیه اروپا و آمریکا نیز با وجود حمایت‌های گسترده از رژیم صهیونیستی در مقاطع مختلف به انتقاد از برخی سیاست‌های تل آویو پرداختند. سران رژیم صهیونیستی نیز با کنایه از وجود رگه‌های تفکر ضد سامی (ضدیهودی) در اروپا و آمریکا ابراز نگرانی کرده‌اند. روند تاریخی نیز نشان می‌دهد، چین و رژیم صهیونیستی نیز روابط سرد و نسبتاً پر تنش را در چارچوب الگوهای ایدئولوژیک و متصلب دوران جنگ سرد را تجربه نموده‌اند، اما پوست‌اندازی نظام بین‌الملل و تغییر شرایط داخلی و منطقه‌ای، موجب شد تل آویو و پکن به سمت تعمیق مناسبات دوجانبه گام بردارند. روابط چین و رژیم صهیونیستی نمونه‌ای کلاسیک از ناپایداری روابط سیاسی بازیگران با یکدیگر، نسبی بودن و به عبارتی سیال بودن دوستی، رفاقت و دشمنی در محیط بین‌المللی است. تأمل در مناسبات پرفراز و نشیب چین و رژیم صهیونیستی گویای این واقعیت است که چگونه کشوری نظیر چین که در دوران جنگ سرد از پرچمداران حمایت از فلسطین به شمار می‌رفت و موجودیت رژیم صهیونیستی را نتیجه سیاست‌های اردوگاه غرب می‌دانست، با تغییر شرایط داخلی (تغییر نخبگان سیاسی) و تحولات

بیرونی (پایان جنگ سرد و تغییرات بنیادین در محیط بین‌المللی) امروزه تبدیل به یکی از دوستان نزدیک رژیم صهیونیستی شده است (حاجی زاده، ۱۳۹۹: ۲۲۸-۲۱۸).

تصمیم همکاری رژیم صهیونیستی با چین و یا به تعبیر «نیکلا ناصر» سیاست نگاه به شرق رژیم صهیونیستی، نتیجه تلاش این دولت برای خروج از انزوا و تأثیرگذاری بر روابط سنتی کشورهای آسیایی با اعراب است (nasset, 2014). با این حال، روابط دوجانبه چین و رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۵۰ آغاز، در دهه ۱۹۹۰ شکل جدی‌تر، و در اوائل هزاره سوم به سرعت در ابعاد دیپلماسی، تجارت، سرمایه‌گذاری، زیرساخت، همکاری آموزشی و توریسم گسترش یافت. برای درک تصویر کلی از روابط اقتصادی بین رژیم صهیونیستی و چین، مهم است که تجارت با هنگ کنگ را به عنوان یک مرکز اصلی که گسترش روابط تجاری بین دو کشور را تسهیل می‌کند، لحاظ کنیم. در سال ۲۰۱۸، صادرات رژیم صهیونیستی به سرزمین اصلی چین و هنگ کنگ بالغ بر ۹ میلیارد دلار (۴٫۸ میلیارد دلار به چین و ۴٫۲ میلیارد دلار به هنگ کنگ) بود، در حالی که واردات به ۱۰٫۵ میلیارد دلار، تقریباً به طور کامل از چین، بود. آنچه که مهمتر است اینکه صادرات سال ۲۰۱۸ از رژیم صهیونیستی نسبت به سال قبل تقریباً ۲۰٪ افزایش داشته است، در حالی که واردات نیز بیش از ۵۰٪ افزایش یافته است. این سرعت امکان پذیر است که چین و هنگ کنگ بتوانند در عرض چند سال از آمریکا به عنوان شریک تجاری اصلی رژیم صهیونیستی پیشی بگیرند. در سال ۲۰۱۸ محموله‌های رژیم صهیونیستی به آمریکا با ۱٫۷٪ کاهش به ۱۶٫۸ میلیارد دلار رسید. در همین حال، واردات با ۲۶٪ افزایش به ۱۰٫۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسید.

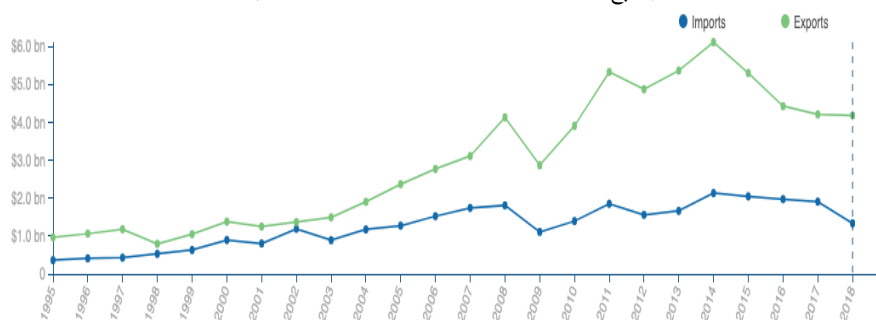


شکل ۱.

Israel trade in goods with China (Source: DESA/UNSD, United Nations Comtrade database)

تجارت کالاهای اسرائیل با چین

(منابع: DESA/UNSD, United Nations Comtrade database)



Israel trade in goods with China, Hong Kong SAR
(Source: DESA/UNSD, United Nations Comtrade database)

تجارت کالاهای اسرائیل با چین، هنگ کنگ SAR

(منابع: DESA/UNSD, United Nations Comtrade database)

در این روند، علی‌رغم فشارهای آمریکا، روابط اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی در حوزه‌های گوناگون به ویژه در عرصه تجاری (صادرات و واردات کالا)، خدمات مالکیت معنوی، سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت و تکنولوژی و همکاری در چارچوب طرح یک کمربند و یک راه چین رو به گسترش است و این امر می‌تواند آینده مناسبات ایران و چین را تحت تأثیر قرار دهد. در حقیقت لحاظ کردن رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از طرف‌های مهم در طرح «راه ابریشم جدید» علاقه بر توسعه روابط دوجانبه، رژیم صهیونیستی حلقه وصل میان خلیج عقبه و کانال سوئز باشد و تجلی آن در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باشد.

(Efron, and ather, 2019) در سال‌های اخیر، درک چین از ارتباطات دو سویه برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، پکن اهتمام خاصی به توسعه روابط با رژیم صهیونیستی داشته است. چین با اهداف مختلفی از جمله دست یافتن به سرمایه‌های قوم یهود، بهبود وجهه پکن در رسانه‌های غربی، بهبود و ارتقاء توانمندی‌های نظامی و امنیتی با کمک تل‌آویو در رقابت با غرب می‌باشد. از سویی چین، رژیم صهیونیستی را یک بازیگر سیاسی مهم در منطقه غرب آسیا می‌داند و خواستار روابط فعال، اما در سایه با رژیم صهیونیستی است؛ به گونه‌ای که رابطه کشورشان با جهان اسلام تحت شعاع قرار نگیرد و همچنان از بازار پر رونق این کشورها منتفع شود. رژیم صهیونیستی با چند هدف اقتصادی و سیاسی به این نوع رابطه با چین اکتفا کرده است. ۱- کاستن از وابستگی سنتی به قدرت‌های غربی، ۲- افزایش مشروعیت در سطح بین‌المللی، ۳- دست یافتن به حمایت سیاسی پکن، به عنوان یک قدرت بزرگ و برخوردار از حق و تو، ۴- استفاده از قدرت اقتصادی و تجاری چین و به تبع آن بازار بزرگ و پر ظرفیت آن، ۵- فروش و انتقال فناوری‌های نظامی به چین ۴- تأثیر گذاری بر روابط نزدیک قدرت‌هایی آسیایی با ایران، ۵- بهره‌مندی از پتانسیل و توانمندی چین در حوزه‌های راهبردی.

محور اول؛ مناسبات چین و رژیم صهیونیستی در عصر انجماد (۱۹۸۰-۱۹۵۰)

با توجه به شکندگی امنیتی، انزوای بین‌المللی و عدم مشروعیت جهانی، سران رژیم صهیونیستی با شناخت از موقعیت برتر چین به واسطه جمعیت بسیار زیاد، سرزمین وسیع و میراث کهن تاریخی در مقایسه با تایوان به خوبی آگاه بودند به همین دلیل بر اساس نظریه تصمیم‌گیری عقلایی و با استفاده از مدل تحلیل هزینه-فایده ۱ نخستین دولتی در منطقه بود که برای خروج از وضعیت ایستایی، چین را در سال ۱۹۴۹ به رسمیت شناخت. اما شرایط سیاسی به گونه‌ای رقم خورد که آخرین بازیگر سیاسی بود که در سال ۱۹۹۲ موفق به برقراری روابط با چین شد. یکی از مهمترین دلایل عدم برقراری مناسبات رسمی قرار گرفتن چین و رژیم صهیونیستی در چارچوب ائتلاف‌هایی بود برقراری روابط مستقیم سیاسی را عملاً غیر ممکن می‌ساخت. چین با شوروی و کشورهایی که

۱ مدل هزینه-فایده یک منطق تصمیم‌گیری یا سیاست در حوزه روابط بین‌الملل است که بر مبنای محاسبه پیامدهای محتمل گزینه‌های مختلف تصمیم عمل می‌کند و می‌تواند از بسیاری هزینه‌ها و آسیب‌های احتمالی بر منافع ملی یک کشور یا منافع یک منطقه و حتی سراسر جهان، جلوگیری کند.

سابقاً مستعمره امپراطوری‌های اروپایی بودند، در چشم‌انداز سیاسی یکسان سهیم شد. در مقابل رژیم صهیونیستی نیز ائتلاف‌های نزدیکی با کشورهایی ایجاد کرد که به حفظ اسرائیل متعهد شده بودند. در بین این کشورها، دولت‌های امپریالیست سابق اروپا و آمریکا قرار داشتند که طی قرون گذشته موجب درد و رنج بسیار چین شده بودند. پس از کنفرانس باندوگ در سال ۱۹۵۵، چین (به دلایل ژئواستراتژیک) مناسبات خود را با کشورهای در حال توسعه و کشورهای عربی هماهنگ کرد و به درک متفاوتی از نظم جدید در غرب آسیا رسید و تصمیم گرفت روابط خود را با جهان عرب در پرتو حمایت از مسئله فلسطین (به رسمیت شناختن سازمان آزادیبخش فلسطین «ساف» در سال ۱۹۶۴) توسعه دهد. همزمان با این تحولات، رژیم صهیونیستی نیز تصمیم قطعی به برقراری روابط دیپلماتیک با چین گرفته بود که زمان برای رژیم صهیونیستی از دست رفته بود (Yin, 2010: 32).

چین در سال ۱۹۵۶ روابط دیپلماتیک خود را با مصر، سوریه و یمن برقرار ساخت. در طول جنگ کانال سوئز، چین قاطعانه از مصر حمایت کرد و همه تماس‌ها با طرف رژیم صهیونیستی را قطع کرد. در همان زمان که چین عموماً از سیاست رژیم صهیونیستی نسبت به جهان عرب انتقاد می‌کرد، مناسبات آن‌ها به یک دوره انجماد و توقف سی ساله وارد شد. چین تا زمانی که رژیم صهیونیستی در جریان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ رأی مثبت به نفع اخراج تایوان داد و بر اساس آن صندلی شورای امنیت به چین واگذار شد، همچنان سیاست ضد رژیم صهیونیستی و حمایت از اعراب خود را تغییر نداد. نگرش چین نسبت به برخی کشورهای عرب متفاوت بود، زیرا موافق شعار «انداختن رژیم صهیونیستی به دریا» نبود و به صراحت مخالف اقدامات فلسطینی‌ها در زمینه ربودن هواپیما یا کشتن گروگان‌های صهیونیستی بود (Xian, 2016: 2). در سال ۱۹۷۷ چین از استراتژی انورسادات برای حل و فصل صلح آمیز منازعه حمایت کرد. رژیم صهیونیستی در طی این دوران چین را به رسمیت می‌شناخت و هیچ‌گاه روابط خود را با تایوان توسعه نداد.

محور دوم برقراری مناسبات رسمی و دیپلماتیک (دهه ۱۹۸۰ تا آغاز هزاره سوم)

در دهه ۱۹۸۰ چین شروع به اجرای اصلاحات کرد و در نتیجه روابط دیپلماتیک با کشورهای بیشتری را برقرار کرد. در نتیجه روابط رژیم صهیونیستی و چین به تدریج ارتقاء یافت. از نیمه

دهه ۱۹۸۰، چین و رژیم صهیونیستی تماس‌های غیررسمی را آغاز می‌کنند (Xian, 2016: 2). پس از اجلاس صلح در سال ۱۹۹۱، برقراری روابط دیپلماتیک بین پکن و تل‌آویو عادی به حساب می‌آمد. در سال ۱۹۹۲، «دیوید لوید» معاون نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و «کیان کیجن» وزیر امور خارجه چین، با امضای تفاهم‌نامه‌ای رسماً برقراری روابط دیپلماتیک در سطح سفیر را اعلام کردند (Goldstein, 2004: 223). از زمان برقراری روابط رسمی تا به امروز، روابط دو طرف به تدریج توسعه یافته است. رژیم صهیونیستی پیش از برقراری روابط دیپلماتیک، تنها یک دفتر کنسولی در هنگ کنگ داشت که نقش همکاری با چین داشت؛ اما پس از برقراری روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۹۲، در پکن سفارت تأسیس کرد. و دفاتر کنسولی متعددی پس از آن در شانگهای (۱۹۹۴)، گوانگژو (۲۰۰۹) و چنگدو (۲۰۱۴) راه‌اندازی نمود (Xian, 2016: 4). از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی به عضویت «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا» (AIIB) درآمد؛ بانکی که یکی از ستون‌های اصلی طرح «جاده ابریشم جدید» چین محسوب می‌شود. عضویت رژیم صهیونیستی در این بانک علیرغم عدم رضایت آمریکایی‌ها، صورت گرفته است. امروزه حجم تجارت بین رژیم صهیونیستی و چین افزایش یافته است و شرکت‌های چینی با ۴۰ هزار کارگر این کشور در حال اجرای پروژه‌های متعدد اقتصادی در رژیم صهیونیستی هستند. رژیم صهیونیستی نیز در حال اجرای پروژه‌های کشاورزی در چین است. کشاورزی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های همکاری دوجانبه است (Xian, 2016: 5). از دیدگاه سران رژیم صهیونیستی آینده همکاری‌های اقتصادی پکن-تل‌آویو، در زمینه کشاورزی (مهمترین دغدغه چینی‌ها) خواهد بود. نزدیک به ۵۰٪ جمعیت چین در بخش کشاورزی فعالیت دارند. بنابراین چین تلاش گسترده‌ای را به منظور مدرنیزه کردن بخش کشاورزی با همکاری رژیم صهیونیستی در دستور کاری دارد. رژیم صهیونیستی نیز با تأسیس مزرعه‌های نمونه کشاورزی و همکاری در زمینه تولید محصولات کشاورزی در روستاهای فقیرنشین چینی، در امر آموزش کشاورزان چینی به منظور افزایش و بهینه‌سازی محصولات زراعی کمک می‌کنند (شبستری بادامچی، ۱۳۸۲: ۵۵). برای تبیین سطح روابط میان دو طرف می‌توان شاخص‌های مهم از جمله: «توسعه روابط دیپلماتیک»، «استحکام مناسبات نظامی»، «روابط اقتصادی و گردشگری» و «تأثیرگذاری فرهنگی» را مورد ارزیابی قرار داد.

محور سوم توسعه مناسبات از (آغاز هزاره سوم تا سال ۲۰۲۲)

۱- توسعه مناسبات دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی

واقعیت آن است که رژیم صهیونیستی در محیطی از منازعه و تهدید و به تعبیر سران رژیم صهیونیستی در میان اقیانوسی از اعراب و مسلمانان زیست می‌کند و همین امر سیاست خارجی و امنیتی این دولت را بر محور رفع این (تهدید وجودی) قرار داده است. در این بین محور اصلی رژیم صهیونیستی برای حفظ امنیت، کشورهای غربی به ویژه آمریکا بود. اما رژیم صهیونیستی از ترس پایان آفتاب تابان هژمونی بر این دولت - بزرگ‌ترین تهدید برای ادامه حیات رژیم صهیونیستی - نیاز داشت برای خروج از انزوای سیاسی و ژئوپلتیک و نیز تنوع بخشی به حوزه سیاست خارجی دامنه حضور خود در محیط بین‌المللی را گسترش دهد. تعریف «دکترین پیرامونی بن‌گورین» در ابتدای دهه ۱۹۵۰ میلادی، نخستین تلاش مهم رژیم صهیونیستی برای خروج از انزوای سیاسی و ژئوپلتیکی در غرب آسیا عربی بود. فروپاشی شوروی و شکل‌گیری هشت کشور جدید، جان تازه‌ای به کالبد دکترین بن‌گورین دمید و باعث شد شعاع جغرافیایی سیاست خارجی خود را توسعه بیشتر بخشد. اما فروپاشی شوروی و پایان جهان دوقطبی و بلوک‌بندی متصلب و ایدئولوژیک موجب شد که رژیم صهیونیستی که در دوران جنگ سرد که همواره مجبور به حرکت در مدار سیاست‌های بلوک غرب بود تا بتواند شعاع روابط خارجی خود را در سطح بین‌المللی گسترش قابل ملاحظه‌ای بخشد. از کانون‌های مهم این سیاست توجه به قاره آسیا به ویژه (چین) بود. روابط چین و رژیم صهیونیستی در چند دهه گذشته بر اساس نیاز دو دولت نمونه بارزی از سیاست عملگرایی و به دور از هر گونه اخلاق یا آرمان‌گرایی می‌باشد. در واقع رژیم صهیونیستی به مثابه (درب‌پشتی) چین برای تحصیل تکنولوژی آمریکا خواهد بود که این امر در روند مدرنیسم و ارتقای سطح کیفی کالاهای صادراتی آن نقش عمده را ایفاء خواهد کرد. برای رژیم صهیونیستی روابط فوق‌بسیار سودمند بوده و باعث خواهد شد صنعت نظامی رژیم صهیونیستی که از ورشکستگی نجات یابد (حاجی زاده، ۱۳۹۶: ۸۳-۷۸)

از اهداف مهم چین در توسعه روابط با رژیم صهیونیستی درک این نکته است که توسعه روابط با طرف مقابل، تأثیر منفی بر روابطش با کشورهای عرب منطقه نخواهد داشت، چین با درک این نکته که برخی از کشورهای عرب منطقه در راستای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی گام

برداشته‌اند، همچنان که روابط خود را با کشورهای عرب منطقه تکمیل می‌کند، به تعمیق روابط با رژیم صهیونیستی می‌پردازد (Hay, 2011:3) همکاری رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای عربی در مرحله صلح سرد قرار دارد. تعامل رژیم صهیونیستی با مصر و اردن در زمینه‌های گوناگون تجارت، بازرگانی، پزشکی و توریسم نیز یک صلح گرم محسوب می‌شود (Koduvayur & Daoud, 2020) که می‌تواند پیامدهای گوناگونی برای کشورهای منطقه غرب آسیا و به ویژه برای ایران داشته باشد. چرا که ایران علاوه بر تخصیص با رژیم صهیونیستی، روابط مطلوبی با برخی از کشورهای عرب منطقه خلیج فارس ندارد. چین تمایل به سرمایه‌گذاری بر روی لابی‌یهودی کنگره آمریکا به جهت (تأثیرگذاری بر تصمیمات مقامات آن کشور) و نیز نفوذ یهودیان در جهان به‌طور عمومی دارد. لذا گسترش و تحکیم روابط با رژیم صهیونیستی تأثیر مهمی در به‌کارگیری این روابط در پیشبرد روابط با لابی یهودی برای اتخاذ تصمیماتی به نفع چین خواهد داشت؛ همچنین موجب خواهد شد تا لابی یهودی در مؤسسات برخی از کشورهای اروپائی، کمتر با چین خصومت داشته باشند (Hay, 2011: 3). هدف نهایی پکن در شناسایی «رژیم صهیونیستی» بهره‌گیری از نقش قابل توجه لابی صهیونیستی در دیپلماسی آمریکا است. چین در دهه ۱۹۹۰ با بهره‌گیری از گروه لابی یهودی در کنگره آمریکا در جهت تأمین حمایت آن‌ها از چین و گسترده‌تر کردن روابط با آمریکا بهره‌گرفت. رژیم صهیونیستی هم که شدیداً در انزوای بین‌المللی قرار داشت، از این فرصت استفاده کرده و حاضر شد در حفظ روابط خود با چین، کارگزار آن‌ها نزد رهبران آمریکا شود. به یقین چین حضور رژیم صهیونیستی را در منطقه را با نگاهی مثبت می‌نگرد (حدافل در کوتاه‌مدت) و عملاً با رژیم صهیونیستی تضاد منافع ندارد (شاهنده، ۱۳۷۸: ۹۴).

۲- توسعه همکاری‌های تجاری - اقتصادی

واقعیت آن است شراکت اقتصادی و تجاری مبنای روابط چین و رژیم صهیونیستی را تشکیل داده است. به نقل از کای‌ران، سفیر چین در رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۱ حجم تجارت دوجانبه از ۵۰ میلیون دلار به ۲۲٫۸ میلیارد دلار افزایش یافت که نشان دهنده انعطاف‌پذیری و پتانسیل همکاری‌های اقتصادی و تجاری دوجانبه است. در همین رابطه «کنفرانس سرمایه‌گذاری برای رژیم صهیونیستی» که آخرین نشست آن در شهر «فوشان» چین برگزار شده است به‌مثابه پلتفرمی برای تسهیل همکاری‌های دوجانبه تلقی می‌گردد که فرصت‌های قابل توجهی را در

بخش‌های مختلف پیش‌روی طرفین قرار داده است. در **بخش تجاری**، صادرات کالاهای چینی به رژیم صهیونیستی بر اساس آمار چینی‌ها در سال ۲۰۱۶ به ۸ میلیارد دلار رسید، همچنان که در سال ۱۹۹۲ فقط ۱۲/۸ میلیون دلار بود. در نیمه اول سال ۲۰۱۸، واردات چین از رژیم صهیونیستی به ۲/۷۷ میلیارد رسید که در مقایسه دوره مشابه در سال ۲۰۱۷، ۴۷٪ افزایش یافته است (Jerusalem Post Staff, 2018). حجم کل تجارت بین دو طرف در سال ۲۰۱۴، ۱۰ میلیارد دلار بود و در سال ۲۰۲۰ با احتساب هنگ‌کنگ به ۱۸ میلیارد دلار افزایش یافت که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ به رقم بالای ۲۵ میلیارد دلار برسد. بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار رژیم صهیونیستی، واردات رژیم صهیونیستی از چین، بدون احتساب الماس، در سال ۲۰۲۱ به ۱۳،۱۹ میلیارد دلار رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۹،۶٪ افزایش داشت، صادرات رژیم صهیونیستی به چین نیز در سال ۲۰۲۱ با ۴،۴٪ افزایش به ۴،۹۳ میلیارد دلار رسید (www.globaltimes.cn) ثبت اختراع، «مالکیت فکری» که بزرگترین بخش از تبادل تجاری میان دو طرف را تشکیل می‌دهد و سهم رژیم صهیونیستی در این زمینه بیش از چین است، زیرا در حد فاصل سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۵ میلادی رژیم صهیونیستی ۲۸۳ مورد ثبت اختراع در چین داشته است. درحالی که چین تنها ۲۱ مورد ثبت اختراع در سرزمین‌های اشغالی رقم زده است. این مسأله نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی، چین را بازار مهمی برای فروش تولیدات و همچنین خدمات مربوط به «مالکیت فکری» خود می‌داند. در راستای تعمیق روابط فناورانه دوجانبه، در ژوئن ۲۰۱۷ یک صندوق سرمایه‌گذاری چینی به نام «میزماوینتورس» مبلغی معادل ۱۰۰ میلیون دلار در استارت‌آپ‌های رژیم صهیونیستی مانند هوش مصنوعی، شرکت‌های امنیت سایبری و تلفن همراه رژیم صهیونیستی سرمایه‌گذاری کرد (پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۹/۱۰/۹).

در مارس ۲۰۱۶ چین و رژیم صهیونیستی مکانیزم مذاکرات در خصوص توافقنامه منطقه آزاد تجاری را به جریان انداختند. ایجاد منطقه آزاد تجاری افزایش دوبرابری گردش کالا بین دو طرف را تا ۲۰ میلیارد دلار فراهم می‌سازد. چین همانند مناطق دیگر جهان از رژیم صهیونیستی به خرید برندهای ملی و جهانی ادامه می‌دهد. شرکت لبنیات «تنووا» را با قیمت ۱ میلیارد دلار و شرکت لوازم آرایشی بهداشتی «آهاوا» با ۳۰۰ میلیون دلار شرکت شیمیایی حفاظت از محصولات کشاورزی به نام «مختشیم آگان» ۲/۴ میلیارد دلار را از رژیم صهیونیستی خریداری کرده است.

(Business News, 2 September 2015). همچنین رژیم صهیونیستی برای توسعه زیرساخت‌ها نیز به سرمایه چینی‌ها علاقه‌مند است. در سال ۲۰۱۶ رژیم صهیونیستی از چین برای اجرای یک پروژه جزیره مصنوعی در نزدیکی ساحل نوار غزه دعوت به عمل آورد. چین با حساسیت سنجی و البته با احتیاط زیاد حضور خود در مناطق پیرامون رژیم صهیونیستی را توسعه می‌دهد. بنادر و زیرساخت‌ها و پروژه‌های حمل‌ونقل رژیم صهیونیستی برای چینی‌ها بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری است، چون پکن اهداف استراتژیکی و اقتصادی دارد، زیرا می‌خواهد ابرقدرت جهانی شود تا بتواند مسیرهای تجاری را کنترل کند و از حالت کشور وابسته به فناوری و سرمایه‌های خارجی خلاص شود. هدف چینی‌ها، نه فقط دریافت سود اقتصادی، بلکه دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی - افزایش نفوذ کشور - است. چین پی‌درپی به دنبال سرمایه‌گذاری در زیرساخت است تا حمل‌ونقل جهانی را تحت کنترل خود در آورد. در حوزه سرمایه‌گذاری روابط طرفین روبه گسترش است. بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸، چین ۹۲ معامله تجاری را در قالب ۸۷ پروژه سرمایه‌گذاری و ۵ پروژه ساخت و ساز در دست گرفت. بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ بخش تکنولوژی چین بیشترین سرمایه‌گذاری را در رژیم صهیونیستی به ارزش ۵،۷ میلیارد داشت. در آینده در چارچوب این سرمایه‌گذاری حجم تجارت چین و رژیم صهیونیستی بسیار افزایش خواهد یافت و روابط تجاری طرفین می‌تواند وارد فاز جدیدی شود (Efron & al, 2020:4). پروژه‌های اصلی رژیم صهیونیستی در چین که قرار است در آینده تحویل دهد عبارتند از: ۱- توسعه بندر اشدود، ۲- ساخت بخشی از ترمینال جدید بندر حیفا با حق بهره‌برداری ۲۵ ساله، ۳- ساخت و توسعه خط راه‌آهن توسط دو شرکت چینی در تل‌آویو (یکی از پروژه‌های مهم طرح مشترک ساخت خط آهن از دریای سرخ تا دریای مدیترانه به عنوان یکی از نمونه‌های جهش ایجاد شده در روابط دوجانبه مطرح است. این خط آهن جایگزینی برای کانال سوئز خواهد بود و در آینده تبادل کالا میان اروپا و آسیا انجام خواهد شد ۴- حفاری تونل کارمل، ۵- واگذاری ۱۸۰ هکتار از بندر شمالی در حیفا برای یک دوره مدیریت ۲۵ ساله به شرکت گروه بین‌المللی بندر شانگهای (SIPG). (Yellinek, Roie. 2019-01-23) منتقل شد. بر این اساس، سرمایه - گذاری چین نیز در سرزمین‌های اشغالی شکل گسترده به خود گرفته است و تحت تأثیر آن و در چارچوب طرح یک کمر بند و یک راه پیوند تجاری عمیقی بین طرفین شکل خواهد گرفت. در

چارچوب طرح جاده ابریشم، صهیونیست‌ها به دنبال آن هستند تا بندر حیفا و خط ریلی آن را در پروژه کلان چینی‌ها جای دهند. همچنین دو طرف از سال ۲۰۱۶ تا پایان ۲۰۲۰ هفت دور مذاکرات را برای انعقاد توافق تجارت آزاد برگزار کرده‌اند که در نتیجه آن بر مسائلی همچون تجارت کالا، رویه‌های گمرکی، تسهیلات تجاری، مسائل بهداشتی و درمانی، حقوق مالکیت معنوی، مقررات دولتی و... به نتایج مثبتی رسیده‌اند.

مهمترین صادرات رژیم صهیونیستی به چین شامل محصولات نظیر؛ الکترونیک، محصولات نوری و تکنولوژی نانو و کشاورزی بود، در حالی که صادرات چین به بازار رژیم صهیونیستی شامل مواد خام، محصولات نساجی و کالاهای مصرفی است. با افزایش سطح تجارت، ساختار تجاری دو طرف نیز در حال بهینه‌سازی مستمر است و از تجارت الکترونیک، الماس، شیمیایی و دیگر محصولات سنتی، به سمت فناوری‌های پیشرفته، انرژی‌های نو، تکنولوژی زیستی و پزشکی مدرن چرخش یافته است. در سال ۲۰۱۳، کالاهای صادراتی رژیم صهیونیستی به چین مواردی نظیر؛ کامپیوتر، الکترونیک و محصولات نانو به میزان ۵۲/۵٪، محصولات شیمیایی به میزان ۲۰/۵٪، دیگر محصولات اقتصادی ۱۵٪، الماس ۷/۲٪، ماشین آلات و تجهیزات به ۴/۸٪ رسید؛ و صادرات کالاهای چینی به رژیم صهیونیستی عمدتاً شامل ذغال سنگ، فولاد، مس، خودرو (مجموعه کامل قطعات یدکی) و غیره می‌شود. اتومبیل‌های رویی (Roewe) و کامیون‌های چینی (Great Wall)، تلفن‌های هوشمند (ZTE) و سایر محصولات با ارزش افزوده با موفقیت وارد بازار رژیم صهیونیستی شد. همچنین نوت‌بوک (lenovo) چین به عنوان بهترین محصول در میان مارک‌های محلی رژیم صهیونیستی تبدیل شد (Zhang, 2015:315). در سال ۲۰۱۸، سطح مبادلات تجاری رژیم صهیونیستی با چین در میان دیگر کشورهای غرب آسیا به رتبه هفتم رسید.

۳- توسعه مناسبات آموزشی و فرهنگی چین و رژیم صهیونیستی

در زمینه روابط آموزشی و فرهنگی این نوع رابطه تأثیرات عمیق و طولانی‌مدت دارد. بهره‌گیری از ابتکار و نوآوری از دانشگاه‌ها و نهادهای علمی و آموزشی، اهمیت این نوع روابط را نشان می‌دهد. به رسمیت شناختن منافع متقابل و مکمل دو طرف همچنین منجر به ایجاد سازوکارهای گفتگو در سطوح دولتی و تجاری شده است که به غلبه بر دو محیط بسیار متفاوت سیاسی، اجتماعی و تجاری کمک کرده است. یکی از این سازوکارها کنفرانس نوآوری

رژیم صهیونیستی است که توسط وزارت امور خارجه تأسیس شده و سالانه برگزار می‌شود. این بستر زمینه مساعدی برای همکاری وزارتخانه‌های دولت رژیم صهیونیستی و چین است. حضور معاون رئیس‌جمهور چین وانگ کیشان در آن کنفرانس، نشان دهنده اهمیتی است که پکن به این گردهمایی داده است (Galia and Doron, 2018). مراودات علمی و فرهنگی فرصت مناسبی را برای شناخت دیگر کشورهای فراهم می‌آورد. نهادهای علمی و فرهنگی مستقر در کشور میزبان می‌توانند ارزش‌های کشورهای خود را در آنجا گسترش دهند. سطح روابط فرهنگی و علمی میان تل‌آویو و پکن را می‌توان از طریق تعدادی از مؤسسات «کنفوسیوس» در رژیم صهیونیستی شناخت؛ جایی که ۲ مؤسسه در «دانشگاه تل‌آویو» و «دانشگاه عبری» در قدس وجود دارد. از سوی دیگر، مقایسه تعداد دانشجویان دو طرف که در چرخه تبادل علمی قرار گرفته‌اند نیز می‌تواند نشان‌دهنده سطح روابط فرهنگی رژیم صهیونیستی و چین باشد. حدود ۱۰۰۰ دانشجوی چینی در رژیم صهیونیستی هستند، این درحالی است که تنها حدود ۱۰۰ رژیم صهیونیستی در چین تحصیل می‌کنند. در حال حاضر ۴ دانشگاه رژیم صهیونیستی تل‌آویو، بن‌گورین، حيفا و مؤسسه تخنئون در چین فعالیت می‌کنند و ۱ دانشگاه چینی نیز در رژیم صهیونیستی وجود دارد. از همین روی، حجم تبادلات آکادمیکی در سطوح عالی میان دو طرف و همچنین سفرهای متقابل شخصیت‌های علمی، شاخص‌های مهمی هستند که سطح روابط رژیم صهیونیستی و چین در عرصه علمی و فرهنگی را نشان می‌دهد.

انواع دیگری از روابط فرهنگی میان دو طرف وجود دارد که می‌توان بدان اشاره کرد که یکی از آنها نزدیکی در امور رسانه‌ای است. روزنامه «تایمز رژیم صهیونیستی» به صورت نسخه زبان چینی نیز منتشر می‌شود. در نقطه مقابل، رادیو چین «China Plus» یک شبکه عبری‌زبان را راه‌اندازی کرده است. برگزاری مراسمات و همایش‌های مختلف نیز از جمله دیگر فعالیت‌های مشترک دو طرف محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، جشنواره «شانگ‌های» در سال ۲۰۱۷ میلادی همایش «هفته فرهنگی رژیم صهیونیستی» را به مناسبت بزرگداشت بیست‌وپنجمین سالروز آغاز روابط دوجانبه، برگزار کرد. روابط رژیم صهیونیستی و چین در زمینه‌های علمی و فرهنگی در قالب مؤسساتی چون سیگنال نیز ابعاد بسیار وسیعی به خود گرفته است. هدف عمده مؤسسه سیگنال، تقویت روابط راهبردی، دیپلماتیک، فرهنگی و اقتصادی چین و رژیم صهیونیستی از

طریق تعاملات طولانی مدت علمی است. این برنامه بر این پایه استوار شده که چین مشتاق است از طریق برنامه‌های پیشرفته کارآفرینی و نوآورانه رژیم صهیونیستی و دستاوردهای فرهنگی و علمی آن بهره‌مند شود. علاوه بر تجربه کلاس درس، دانشجویان چینی در معرض یادگیری فرهنگ، هویت رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرند و در سفرهای منظم به رژیم صهیونیستی و شرکت در همایش‌ها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، در مورد تاریخ و هویت یهودیان بیش از پیش می‌آموزند (Avigayil, 2015).

توریسم دروازه مهمی برای تبادل فرهنگی میان مردم دو طرف محسوب می‌شود. تعداد گردشگران چینی در رژیم صهیونیستی از سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، ۴ برابر تعداد گردشگران رژیم صهیونیستی در چین بوده است. تعداد گردشگران چینی که در سال ۲۰۱۹ به نسبت سال قبل، از رژیم صهیونیستی بازدید کرده‌اند، ۳۶/۷٪ افزایش یافته است که این آمار، افزایش چشمگیر شمار گردشگران را نشان می‌دهد و بیانگر روند رو به رشد صنعت توریسم میان دو طرف است که در کوتاه مدت منجر به استحکام روابط دوجانبه خواهد شد (مرکز الزیتونه للدراسات والاستشارات، ۲۰۱۹).

۴- توسعه مناسبات نظامی و دفاعی چین و رژیم صهیونیستی

توسعه روابط میان مؤسسات و نهادهای تجاری و تکنولوژی و مراکز پژوهشی و علمی چین با مؤسسات مشابه در رژیم صهیونیستی، باعث خواهد شد تا تکنولوژی غرب به آسانی به چین هم برسد. درواقع توسعه مناسبات چینی‌ها با رژیم صهیونیستی به‌طور غیرمستقیم، در کسب تکنولوژی غربی به‌ویژه در زمینه نظامی مؤثر خواهد بود. چین، رژیم صهیونیستی را یکی از مهم‌ترین تأمین‌کننده‌های فن‌آوری پیشرفته نظامی برای خود می‌داند، چرا که مورد تحریم تسلیحاتی از جانب آمریکا و اروپا است. آنچه بر اهمیت روابط نظامی میان دو طرف از دیدگاه چین می‌افزاید این است که یکی از قابلیت‌های مندرج در استراتژی طراحی نیروهای مسلح چین، شبیه‌سازی تجهیزات نظامی پیشرفته می‌باشد. چین مایل به ایفای نقش مهم‌تری در غرب آسیا و احیای نفوذ سنتی خود در این منطقه و ارتقای جایگاه و نقش بیشتر خود در این منطقه حساس می‌باشد (گروه مطالعات، ۱۳۸۷: ۲۰۶). تمایل چین از جذب تجار یهودی در جهان از طریق جذب این سرمایه‌ها به بازارهای خود به‌ویژه نقش رژیم صهیونیستی به عنوان تشویق‌کننده پروژه‌های مشترک میان سرمایه‌گذاران یهودی و چینی مؤثر است (Hay, 2011: 3).

یکی از بخش‌های عمده روابط نظامی چین و رژیم صهیونیستی، تکمیل سازه‌های ساخت شوروی با استفاده از فناوری رژیم صهیونیستی است. جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ به نیروهای صهیونیستی این امکان را داد تا بعضی از پیشرفته‌ترین سلاح‌های شوروی را به دست آورد و مورد بررسی قرار دهد. قطع کمک‌های تسلیحاتی شوروی به چین در دهه ۱۹۶۰ ارتش چین را از مهم‌ترین تأمین‌کننده قطعات یدکی خود محروم ساخت و در سال‌های بعد توجه آن را به رژیم صهیونیستی به عنوان عامل بالقوه‌ای برای تهیه نیازمندی‌های خود معطوف نمود. دولت چین به منظور صرفه‌جویی در منابع ارز خارجی به تجارب رژیم صهیونیستی در زمینه نوسازی و تکمیل سلاح‌های روسی و مهندسی معکوس از ادوات و تسلیحات آمریکایی که دسترسی به آن از طریق دیگر برای چین مشکل بود، تولید موشک‌های هوا به هوا و زمین به زمین و سیستم‌های الکترونیکی، پهباد، موتورهای تانک، ابزارهای لیزری برای هدف‌گیری در شب، تولید مهمات و ایجاد خطوط تولید سلاح علاقه‌مند است. عمده مبادلات دوجانبه چین و رژیم صهیونیستی از طریق هنگ‌کنگ و سنگاپور انجام می‌شد و گشایش مجدد کنسولگری رژیم صهیونیستی و بعضی از دفاتر بانک‌هایش در آنجا تسهیل بیشتری در این مراودات ایجاد کرد. (امیدوارنیا، ۱۳۶۹: ۸۶).

در زمینه **روابط نظامی** پکن و تل‌آویو اینکه افزایش همکاری دفاعی رژیم صهیونیستی با چین باعث نگرانی کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، که بزرگترین تأمین‌کننده خارجی تجهیزات نظامی به رژیم صهیونیستی است، شده است. به دلیل رقابت استراتژیک چین با ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، هند، ویتنام و همچنین نگرانی در مورد امنیت تایوان، آمریکا رژیم صهیونیستی را در برابر فروش تجهیزات و فناوری پیشرفته به چین تحت فشار قرار داده است. در سال ۱۹۹۲، واشنگتن تایمز ادعا کرد که موشک‌های آمریکایی پاتریوت صادر شده و فناوری هواپیماهای (جت لاوی) بومی رژیم صهیونیستی با چین به اشتراک گذاشته شده است، اگرچه تحقیقات رسمی آمریکا این اتهامات را ثابت نکرد. در همین راستا، آمریکایی‌ها ۲ توافقنامه مهم میان چین و رژیم صهیونیستی را به شکست کشاندند. یکی توافقنامه «سیستم راداری پیشرفته هوآی‌رد» معروف به «فالکون» ساخت خودش در سال ۲۰۰۰ میلادی و دیگری توافقنامه «پهپادهای هاربی» در سال ۲۰۰۵ میلادی بود. این فشارها از سوی آمریکا - تهدید به قطع کمک سالانه ۲/۸ میلیارد دلاری - به وضع خطوط

قرمز در روابط میان رژیم صهیونیستی و چین توسط واشنگتن منجر شد. در این راستا، باراک اوباما، اولین کسی بود که متوجه خلاء سیاسی در اقیانوس آرام و اقیانوس هند شد که در حال شکل گیری بود و چین به شدت در پر کردن آن نقش فعالی داشت. اوباما، برای مقابله با این تلاش، آسیا را دغدغه اصلی خود قرار داد و کاهش تعهدات آمریکا در اروپا و غرب آسیا را خواستار شد. او از مداخله در سوریه خودداری کرد و تلاش خود را معطوف به دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران کرد. دونالد ترامپ، نیز تلاش‌ها برای مهار چین را تشدید کرد و برای کاهش نقش چین در منطقه به صورت همه جانبه از رژیم صهیونیستی حمایت کرد (china daily.com/ Oct 2,2022). بدین ترتیب، مجموعه‌ای از ضوابط توسط مقامات آمریکایی بر روابط پکن و تل آویو حاکم شد. زیرا این کشور نگران است که چین ممکن است فناوری‌های دفاعی پیشرفته رژیم صهیونیستی را برای فروش مجدد به رقبای آمریکا بفروشد ("China's Palestine Policy". The Jamestown Foundation).

اهداف چین و رژیم صهیونیستی از تعمیق مناسبات

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، اهداف رژیم صهیونیستی از توسعه مناسبات با چین شامل موارد ذیل است.

الف) اصل کسب حمایت قدرت‌های بزرگ: یهودیان تا جنگ جهانی دوم در ذیل حمایت انگلیسی‌ها بودند، اما پس از جنگ جهانی به سمت آمریکا متمایل شده و مورد توجه این کشور قرار گرفتند و طی حدود ۷ دهه گذشته از حمایت‌های همه جانبه آمریکا بهره‌مند شده‌اند. با توجه به اینکه آمارها نشان از صعود چین به قدرت اول جهانی طی دو دهه آینده است، رژیم صهیونیستی درصدد است از هم‌اکنون روابط بنیادی و ریشه‌داری با قدرت اول آینده دنیا داشته باشند.

یکی دیگر از اصول سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، توسعه مناسبات با دیگر کشورها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ می‌باشد. یکی از اولویت‌های اصلی این رژیم صهیونیستی رابطه با چین به عنوان قدرت بزرگ آسیا است. با توجه به اینکه چین به عنوان یک قدرت در حال صعود سیاسی و اقتصادی در جهان مطرح است، نزدیکی روابط یهودی‌ها با این کشور می‌تواند در جهت مشروعیت بخشی به این رژیم صهیونیستی کمک رساند. همچنین سیاست خارجی رژیم صهیونیستی

بر این مبنا است که با تمام اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل رابطه سیاسی و اقتصادی مستحکمی داشته باشد. رژیم صهیونیستی می‌کوشد با تقویت روابط خود با این گونه کشورها امنیت خود را تضمین کند.

ب) اخلال در توسعه مناسبات چین با قدرت‌های منطقه‌ای: چین همواره یکی از کشورهای حامی جهان اسلام و جهان عرب به خاطر آرمان فلسطین بوده است. در نظام دوقطبی بین‌المللی، چین در کنار شوروی از جنبش‌های چپ‌گرای فلسطینی حمایت می‌کرد. چین در سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل از اهداف و قطعنامه‌های پیشنهادی فلسطینی‌ها حمایت می‌کند. روابط چین با ایران نیز بعد از تحریم‌های غرب، بسیار توسعه یافته است. بدیهی است روابط رژیم صهیونیستی با چین موجب کاهش آثار منفی روابط چین با حریفان رژیم صهیونیستی می‌شود.

ج) کسب منافع اقتصادی: یکی از اهداف طبیعی در روابط چین و رژیم صهیونیستی، بهره‌برداری از پتانسیل و ظرفیت‌های طرف مقابل برای رشد و توسعه است. در کوتاه مدت، چین در تلاش است تا به فناوری رژیم صهیونیستی و دانش فنی موجود در فضای استارت‌آپی خود دسترسی پیدا کند. در بلندمدت، این کشور در تلاش است تا مشارکت بیشتری ایجاد کند تا درها را برای توسعه استراتژیک آینده در منطقه غرب آسیا باز کند. برای انجام این کار، باید با توسعه روابط با رژیم صهیونیستی و هرگونه مانعی که واشنگتن بر سر راه او ایجاد کند، مبارزه کند. اگرچه تنش‌های جهانی، به ویژه مخالفت آمریکا با عرضه برخی فناوری‌ها به چین و اخیراً، جنگ تجاری بین این دو کشور، گسترش روابط را کند می‌کند، اما همکاری‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی رو به رشد، بر اساس همبستگی متقابل و نیازهای دوجانبه وجود دارد.

(worldview.stratfor.com) رژیم صهیونیستی از طریق همکاری‌های نظامی با چین خواهان آن است که آمریکا و اروپا، فروش تسلیحات به کشورهای غرب آسیا را مورد بازنگری قرار دهند و در مقاطعی از این مسئله به عنوان اهرم فشار روانی علیه اروپا و آمریکا استفاده کند. رژیم صهیونیستی از روابط با چین به عنوان وسیله‌ای برای معامله احتمالی با آمریکا سود می‌جوید و

مایل است با استفاده از پتانسیل توان اطلاعاتی خود از رموز نظامی چین و نحوه همکاری نظامی چین با کشورهای همپون ایران، پاکستان و کره شمالی، آگاه شود.

برخی از مهمترین اهداف طرفین در برقراری مناسبات دوجانبه به شرح ذیل می‌باشد	
اهداف رژیم صهیونیستی در برقراری روابط با چین	اهداف چین در برقراری روابط با رژیم صهیونیستی
۱- ارتقاء موقعیت و پرستیژ (کسب جایگاه بین‌المللی)،	۱- توسعه اقتصادی، تحت عنوان اقدام قاطع،
۲- حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی پرجمعیت‌ترین و بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه جهان (کسب حمایت از قدرت نوظهور)،	۲- تسهیل در کسب فن‌آوری پیشرفته غربی از طریق رژیم صهیونیستی و تکمیل سامانه‌های تخصصی و صنعتی و ارتقای سطح فناوری آن،
۳- اعمال فشار در جهت کاهش و توقف همکاری‌های نظامی چین-ایران و همچنین بهره‌گیری از نقش چین به منظور کاهش همکاری‌های کره شمالی-ایران،	۳- استفاده از کمک رژیم صهیونیستی در زمینه رفع نیازمندی‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی، تکنولوژی، انرژی، محیط زیست، فناوری کشاورزی و سرمایه‌گذاری به ویژه در شرکت‌های دانش بنیان،
۴- اتخاذ سیاست مستقل‌تر در قبال آمریکا و استفاده از مهره چین در روابط تل‌آویو - واشنگتن	۴- بهره‌برداری از لابی و نفوذ رژیم صهیونیستی در بهبود، تقویت و توسعه روابط پکن - واشنگتن
۵- تقویت موقعیت جامعه یهودیان چین،	۱۰- بهبود وجهه چین در رسانه‌های غربی،
۶- تقویت نظام چندقطبی و تنوع‌طلبی در سیاست خارجی	۶- دست یافتن به سرمایه‌های کلان یهود،
۷- درک جایگاه و نفوذ چین به عنوان بازیگر عمده در غرب آسیا در آینده نزدیک (تأثیرگذاری بر مواضع منطقه‌ای (غرب آسیا) چین،	۷- تقویت نوآوری داخلی، پژوهش‌های مختلف و ایجاد توسعه در زمینه‌های گوناگون و توسعه راهبرد منطقه‌ای غرب آسیای چین؛ از دید پکن، بدون برقراری روابط رسمی میان پکن و تل‌آویو، به عنوان یکی از طرف‌های اصلی مذاکرات روند صلح، تحقق این امر برای چین به عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار جهانی، امکان‌پذیر نمی‌باشد،
۸- کسب حمایت سیاسی چین، به این اعتبار که این کشور، عضو دائم شورای امنیت است،	۸- برداشت چین از رژیم صهیونیستی به عنوان یک بازیگر سیاسی مهم در منطقه غرب آسیا
۹- تحقق کسب، حفظ و توسعه امور اقتصادی و	۹- بهره‌گیری از تکنولوژی و توانمندی‌های نظامی و

تجاری، در بازار بزرگ و بکر چین.	امنیتی، پیشرفته غرب برای جبران عقب ماندگی
۱۰- یافتن جایگزین نظام هژمون در شرایط بحرانی	۱۰- قطع روابط سیاسی تایوان - رژیم صهیونیستی. منبع: (حاجی زاده ۱۴۰۰)

نقش چین در منازعه فلسطینی - رژیم صهیونیستی

چین در رابطه با مهم ترین مناقشه منطقه غرب آسیا؛ یعنی منازعه بین رژیم صهیونیستی - فلسطین سعی کرده است که یک جایگاه بی طرفانه برای خود تعریف کند. این کشور تلاش دارد با رویکردی کاملاً عمل گرایانه، از مداخله به نفع یکی از طرفین خودداری کند. این رویکرد دقیقاً در تعارض با رویکرد آرمانگرایانه ایران (جانبداری همه جانبه از فلسطین) است. این ایده چینی ها که با میانجیگری بین دو طرف یعنی تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی صورت می پذیرد، برخلاف اصول سیاست خارجی ایران است که بر منطق مقاومت در منطقه غرب آسیا و در تخصم ریشه دار با رژیم صهیونیستی به عنوان یک دولت اشغالگر بنا شده است.

به طور کلی با توجه به اصول سیاست خارجی چین مبنی بر عدم درگیری جدی در تحولات خارج از منطقه پاسیفیک و جو حاکم بر روابط پکن با دولت خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی، سیاست پکن عدم دخالت جدی و ایفای نقش میانجی گرایانه در تحولات مذاکرات صلح است و حتی در این خصوص با درخواست یاسر عرفات مبنی بر معرفی نماینده ویژه چین در امور صلح مخالفت نمود. موضع چین در قبال مذاکرات صلح بر اجرای توافقات مادرید و رعایت اصل زمین در مقابل صلح و اجرای قطعنامه های ۲۴۲، ۳۳۸ سازمان ملل استوار می باشد و خواستار تشکیل دو دولت مستقل فلسطین و رژیم صهیونیستی است (شبستری بادامچی، ۱۳۸۲: ۵۳).

رابطه میان چین و رژیم صهیونیستی عمدتاً مبتنی بر وابستگی متقابل اقتصادی است، اما چین با توجه به روابط خود در سراسر جهان عرب، در حمایت از رژیم صهیونیستی با احتیاط گام بر می دارد. در سال ۲۰۱۷، در طی دیدار نخست وزیر رژیم صهیونیستی، بنیامین نتانیاهو از چین، رئیس جمهور چین بر پیگیری سازوکارهای صلح آمیز حل و فصل اختلافات بین رژیم صهیونیستی و فلسطین تأکید کرد و خواستار آن شد که رژیم صهیونیستی پیشنهاد دو دولت را به عنوان مبنایی برای رسیدگی به مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین مورد توجه جدی قرار دهد. چین در سال های

۲۰۱۳ میزبان حضور محمود عباس و نتانیاهو برای پیشبرد مذاکرات صلح بود. هم‌اکنون رهبران چین خواستار تأسیس یک دولت فلسطینی با مرزهای ۱۹۶۷ با پایتختی اورشلیم (بیت‌المقدس) هستند (Hindy, 2017). همچنین چین در اواخر سال ۲۰۱۷ نیز میزبان نشست فلسطین و رژیم صهیونیستی برای بررسی راه‌های حل و فصل منازعه بود. البته این میانجیگری اتفاقی نیست، چراکه چین در سایه کاهش نقش آمریکا در منطقه و نقشش درباره حل و فصل بحران میان فلسطین و رژیم صهیونیستی، برای ورود به میدان سیاست در منطقه غرب آسیا و تقویت نقش خود در آن تلاش می‌کند درواقع، چین قصد دارد با نقش میانجیگرانه خود در بحران منطقه‌ای فعال شود.

چین در سال ۲۰۰۲ میلادی یک نماینده ویژه برای بحران غرب آسیا و تسهیل مذاکرات سیاسی تعیین کرد و در سال ۲۰۱۳ میلادی هم شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین طرحی برای صلح با محوریت تشکیل دو کشور مستقل ارائه داد که بر اساس این طرح، فلسطینیان بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ کشوری مستقل خواهند داشت و پایتخت آن قدس شرقی است. البته مشارکت در حل و فصل سیاسی یک موضوع و گرفتن جای آمریکا موضوعی دیگر است. توانایی و امکانات کنونی چین برای پرکردن جای آمریکا کافی نیست، چرا که باید بتواند سرمایه‌ها را جمع کرده و به رژیم صهیونیستی ضمانت امنیتی ببخشد و در شرایط کنونی این بدان معناست که چین می‌تواند یکی از میانجی‌ها باشد، اما نه میانجی اصلی. چین به بحران‌های غرب آسیا، آفریقا یا افغانستان از زاویه امنیت ملی و منافع خود می‌نگرد و خطرات را با توجه به منافع خود در غرب آسیا مدیریت می‌کند. چین سعی می‌کند روابط دوستانه خود را با تمام کشورها حفظ کند. در نتیجه، برای این کشور سخت خواهد بود که اعتماد رژیم صهیونیستی را جلب کند، چرا که رژیم صهیونیستی از نزدیکی چین و ایران به خصوص در زمینه نظامی هراس دارد و چین اولین کشور غیرعربی بوده که فلسطین را در سال ۱۹۶۵ میلادی به رسمیت شناخته است.

برقراری روابط دیپلماتیک چین و رژیم صهیونیستی در ژانویه ۱۹۹۲ و حضور چین در مذاکرات صلح (در جهت منافع رژیم صهیونیستی و پشت پا زدن به اصول گذشته چین)، باعث شده که روابط چین با اعراب و ایران تغییر پیدا کند و این روندی است که تا آینده قابل پیش‌بینی ادامه خواهد یافت. علی‌رغم ادعای پکن در تداوم حمایت این کشور از فلسطین و احترام به آرمان مردم فلسطین، تحلیلگران چین تصویر دیگری را ارائه می‌دهند. سقوط شوروی سابق فرصتی

طلایی است که رهبران جهان سوم در مقابل تنها ابرقدرت باقی مانده با یکدیگر همکاری نمایند. ولی چین به دلایلی اعتقادی به رهبران جهان سوم ندارد و معتقد است که برخی از این کشورها در مقابل منافع چین فعالیت می نمایند (شاهنده، ۱۳۷۸: ۹۵). به عبارت بهتر، پکن تلاش دارد این تصور ایجاد نشود که در امور سیاست داخلی دولت های غرب آسیا مداخله کرده یا در مسائل بحث انگیز منطقه ای موضع بسیار صریحی اتخاذ کند. برای نمونه، دخالت چین در روند صلح رژیم صهیونیستی - فلسطین ناچیز بوده است و همچنین از پیوستن به ائتلاف علیه داعش طفره رفت. «عدم مداخله» یکی از اصول غالب سیاست خارجی چین است (اسکوبل و نادر، ۱۳۹۶: ۱۲).

تأثیر منفی بر همکاری نظامی ایران و چین

همکاری های چین و رژیم صهیونیستی به ویژه در بخش نظامی می تواند به یکی از مهم ترین موانع و دست اندازهای احتمالی همکاری های نظامی ایران و چین تبدیل شود؛ زیرا رژیم صهیونیستی به چین برای عدم تعمیق مناسبات نظامی این کشور با ایران فشار وارد می آورد. در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، چین یکی از عمده ترین تأمین کنندگان تسلیحات پیشرفته از جمله تانک، جت های جنگنده، قایق های گشتی تندرو و موشک های ضد کشتی، به ایران بود. پکن نه تنها به خاطر نفع بردن، روابط استراتژیکش را با ایران تقویت کرد، بلکه به دنبال ایجاد سنگری در مقابل نفوذ بیش از حد آمریکا در غرب آسیا بود. فروش تسلیحات چینی به ایران از اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به خاطر فشارهای آمریکا و اعمال تحریم های هسته ای سازمان ملل به تدریج کمک کاهش یافت. این تحریم ها ابتدا در رابطه با ممنوعیت صنایع هسته ای و موشکی ایران بود، اما سپس به دیگر حوزه های تسلیحاتی متعارف از جمله هواپیماها و کشتی های جنگی هم گسترش یافت. پس از قرار گرفتن ایران در لیست در تحریم های سازمان ملل، چین علاقه ای به همکاری امنیتی با تهران نداشت، در نتیجه روابط تسلیحاتی چین با ایران در طول دهه نخست ۲۰۰۰ تا حد زیادی از بین رفت (ووتنو، ۱۳۹۴/۱۰/۲۵).

چین در به روزرسانی سخت افزارها و دکترین نظامی ایران؛ کمک های فنی و انتقال فناوری نظامی برای تولید موشک های مختلف و سامانه های هدایت آن ها؛ کمک به توسعه سلاح های متعارفی مانند موشک های زمین به هوا، هوا به زمین و ضد کشتی و همچنین کمک به تولید هواپیماهای نظامی، سیستم های راداری و ناوچه های موشک انداز؛ تحویل فولادهای ویژه و برخی

ابزار و ماشین آلات رایانه‌ای و قطعات برای ساختن موشک‌ها و سلاح‌های دیگر؛ ارائه آموزش به شماری از پرسنل کلیدی نظامی برای استفاده از سامانه‌های پیشرفته؛ و نهایتاً کمک‌هایی در زمینه دقت سامانه هدایت موشک‌های بالستیک و نیروی رانش آن‌ها با استفاده از سوخت جامد نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشته است که به طریق اولی، حضور جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک قدرت نظامی در غرب آسیا، به‌ویژه در عرصه ضد دسترسی تسهیل نموده است (رضایی و وثوقی، ۱۳۹۶: ۳۱)؛ این قبیل همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی میان دو کشور از سال ۲۰۰۳ و هم‌زمان با آغاز بحران هسته‌ای ایران متوقف شد و این کاهش ارتباط نظامی که با افت مناسبات سیاسی نیز همراه بود، کم‌وبیش از مناسبات چین و رژیم صهیونیستی نیز تأثیر می‌پذیرد.

با این وجود، ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ دومین خریدار تسلیحاتی چین پس از پاکستان بوده است. قدرت‌های بزرگ عموماً مبادلات تسلیحاتی خود را در راستای شکل‌دهی یا تداوم بخشی به موازنه مطلوب قدرت خویش در مناطق صورت می‌دهند. آمریکا در غرب آسیا، مهم‌ترین تأمین‌کننده تسلیحاتی رژیم صهیونیستی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به عنوان بازیگران حافظ نظم موجود عمل می‌کنند. این در حالی است که چین در کنار روسیه مهم‌ترین تأمین‌کننده تسلیحاتی بازیگران تجدیدنظرطلب به‌ویژه ایران و سوریه است. مهم‌ترین بعد منافع ژئوپلیتیک چین در غرب آسیا جلوگیری از هژمونیک‌شدن نظم منطقه‌ای و تثبیت تسلط آمریکا و متحدانش در غرب آسیا است. در این راستا است که تعامل تسلیحاتی با ایران اهمیت دارد (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۹۴-۱۹۵). چین کشوری به‌شدت به دنبال نمایش قدرت و نفوذ جهانی است و هر پیمان نظامی، دفاعی و امنیتی که با کشورهای جهان داشته باشد همانند بازویی است که زمینه قدرت‌نمایی این کشور را فراهم می‌کند. همکاری نظامی با ایران به‌ویژه در منطقه حساس غرب آسیا و خلیج فارس زمینه نفوذ در این منطقه را فراهم آورده و بخشی از اهداف کلان چین را محقق خواهد کرد. از سوی دیگر، ایران نیز می‌تواند شریک دفاعی - امنیتی نیرومندی در کلاس جهانی داشته باشد و در کنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود از این ظرفیت بالا استفاده کند. ایران به عنوان قدرت نوظهوری که تمایل به بازی در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی دارد نمی‌تواند بدون داشتن متحدین قدرتمند چنین نقشی را ایفا کند و همکاری با چین به خوبی می‌تواند چنین هدفی را عملی کند؛ اما همکاری‌های نظامی همواره حساسیت‌های منطقه‌ای و جهانی را بر

می‌انگیزد؛ بنابراین رقبا و دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی ایران مهم‌ترین موانع این همکاری هستند. بدون شک عربستان سعودی، ترکیه و رژیم صهیونیستی از این همکاری خوشنود نیستند و اگر بتوانند از این که اخلاقی در این همکاری ایجاد کنند راضی خواهند بود. هم‌اکنون، رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین موانع و دست‌اندازه‌های احتمالی همکاری‌های نظامی ایران و چین به شمار می‌آید (ربیعی، ۱۳۹۵/۹/۲۳).

چین ظرف یک دهه اخیر هم به لحاظ آرایش زمینی، توان دریایی، قابلیت‌های هوایی و هم برنامه موشکی و سایبری، توجه فزاینده‌ای را در عرصه جهانی به خود جلب کرده است. این موضوع پس از توافق هسته‌ای وین، برای ایران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شده و مقامات نیروهای مسلح ایران نیز مایل‌اند قدرت نظامی خود را در پیوند نزدیک با چین به‌روزرسانی و متنوع‌سازی کنند؛ بنابراین در شرایط جدید، بازار بزرگ ایران در مقابل نظامیان چینی قرار گرفته است که از نظر مقیاس، ممکن است از بازار پاکستان هم بزرگ‌تر باشد. از همین رو، در غرب این گمانه مطرح شده است که در سال‌های پیش رو، چین ممکن است تلاش کند تا تسلیحات پیشرفته و گسترده‌ای را به ایران بفروشد. در مقابل این ایده، باید این نکته را در نظر گرفت که در صورت به سامان رسیدن دور جدید مذاکرات، پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه پکن رابطه تسلیحاتی با ایران را احیاء خواهد کرد چندان آسان نخواهد بود، زیرا مقامات چین به منظور بازدارندگی منطقه‌ای، از سرگیری فروش سلاح به ایران موضع سلبی خود را خواهند داشت؛ چراکه چینی‌ها، در صدد آن نیستند که روابط خود با آمریکا و دولت‌های منطقه، همچون رژیم صهیونیستی، عربستان و ترکیه را پیچیده کنند (رضائی و وثوقی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۵).

هم‌اکنون رژیم صهیونیستی از ابزار همکاری‌های نظامی خود با چین به عنوان حربه‌ای برای فشار به طرف مقابل برای عدم فروش سلاح به ایران استفاده می‌کند. این رژیم صهیونیستی هم به عنوان یک واردکننده سلاح و هم به عنوان یک عرضه‌کننده سلاح تلقی می‌شود. صنعت تسلیحاتی رژیم صهیونیستی ۷۵٪ تولیدات خود را صادر می‌کند و در پی توسعه صادرات در این صنعت نیز هست. چین از مهم‌ترین بازارهای صادرات تسلیحات برای رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی تنها دولت منطقه است که مبادلات تسلیحاتی آن با چین متفاوت از سایرین است؛ بدان معنا که برخی تسلیحات مورد نیاز آن، به‌ویژه در حوزه سلاح‌های با فناوری پیشرفته را تأمین

می‌کند. محدودیت‌های چین در تأمین سلاح‌های پیشرفته مورد نیاز خود، ارزش گزینه رژیم صهیونیستی را برای آن دوچندان می‌کند. چین در دوران پس از «تیان آن من» در سال ۱۹۸۹، مورد تحریم تسلیحاتی غرب قرار گرفت. این تحریم گزینه‌های آن کشور برای تأمین تسلیحات مورد نیاز را به روسیه و رژیم صهیونیستی کاهش داد. گرچه بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۳، روسیه ۶۴٪ تسلیحات مورد نیاز چین را تأمین می‌کند، اما اهمیت سلاح‌های رژیم صهیونیستی در این است که بخشی از نیاز چین که به واسطه روسیه قابل تأمین نیست را پوشش می‌دهد. هرچند رژیم صهیونیستی از انتقال فناوری‌های نظامی به چین دارای هدف اقتصادی هم دارد، اما تردیدی نیست که رژیم صهیونیستی با این اقدام تلاش دارد بر سیاست غرب آسیای چین و به‌ویژه مبادلات تسلیحاتی این کشور با دیگر کشورهای این منطقه، از جمله ایران که خریدار اصلی تسلیحات چینی در غرب آسیا است، تأثیر بگذارد. به‌طور کلی، رژیم صهیونیستی به دلیل ملاحظات و نگرانی‌های منطقه‌ای چین در بحث (فلسطین، شهرک‌سازی‌ها) از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی قوی برخوردار نیست، اما به طور سنتی همواره تلاش کرده تا از موقعیت ویژه خود در فناوری‌های نظامی به عنوان ابزار کلیدی در پیشبرد منافع خود بهره گیرد (شریعتی‌نیا و میرعمادی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۲۶).

تشکیل گروه لابی (حامی) رژیم صهیونیستی در چین

لابی‌های رژیم صهیونیستی یکی از ابزارهای مهم نفوذ این کشور در سایر کشورهاست. هم‌اکنون لابی رژیم صهیونیستی در آمریکا، یکی از ابزارهای مهمی است که آمریکا را به همراهی با رژیم صهیونیستی بر علیه ایران در منطقه غرب آسیا متقاعد می‌کند. هسته اصلی لابی صهیونیست‌ها در آمریکا را سازمان‌هایی چون کمیته روابط عمومی آمریکایی رژیم صهیونیستی (آپیک) و کمیته یهودیان آمریکا تشکیل می‌دهند که در راستای اهداف توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا عمل می‌کنند (سیمبر و قربانی، ۱۳۹۲: ۸۹). اگر رژیم صهیونیستی بتواند نظیر همین لابی را در چین به عنوان یک قدرت در حال صعود و یک هژمون بلقوه آینده تدارک ببیند، بی‌تردید به راحتی می‌تواند بر سیاست غرب آسیا چین تأثیر بگذارد.

روابط چین و رژیم صهیونیستی سال‌هاست عادی است. حتی برخی آمریکایی معتقدند که رژیم صهیونیستی برای مدت طولانی، سلاح‌های آمریکایی را گرفته و تکنولوژی آن را به چین می‌فروشد. این وضعیت رابطه چین و رژیم صهیونیستی است. با رشد چین در حوزه اقتصادی و تبدیل شدن به اقتصاد دوم دنیا، رژیم صهیونیستی همان طراحی را که برای آمریکا اجرا کردند و یک سری یهودی را آنجا مستقر کردند و نفوذ پیدا کردند، حالا می‌خواهند همان طرح را در مورد چین اجرایی سازند. رژیم صهیونیستی بر روی قوم‌ها و قبایلی که قرابت یهودی دارند برنامه‌ریزی می‌کنند، آن‌ها را به رژیم صهیونیستی می‌برند و ارتباط می‌گیرند تا یک مرکزی در چین برای خود ایجاد کنند (ایزدی، ۱۳۹۴: ۲۶۳).

شواهد حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی در این سال‌ها به این نقطه از جهان چشم دوخته‌اند. این لابی در چین طی دهه گذشته، با استفاده از تسهیلات ارائه شده از مؤسسات فکری و دانشگاه‌ها و گروه‌های فشار حامی صهیونیسم و مؤسسات و روحانیون تلمودی به دنبال ایجاد ردپایی از رژیم صهیونیستی در زندگی عمومی مردم چین و مؤسسات آموزشی و آکادمیک آن است. هدف از این فعالیت‌ها ایجاد بستر مناسب برای پذیرش دیدگاه‌های صهیونیسم با استفاده از تمامی ابزارهای سیاسی جهت توضیح و دفاع از مواضع و اقدامات رژیم صهیونیستی رژیم صهیونیستی از سوی حاکمیت چین ارزیابی شده است. آن‌ها به دنبال تغییر مفاهیم آکادمیک در میان چینی‌ها و تغییر دیدگاه آن‌ها نسبت به رژیم صهیونیستی و از دید برخی کارشناسان فروپاشی یا مدیریت غول اقتصادی فزاینده چینی‌ها هستند. تل‌آویو معتقد است که نزدیکی منافع تجاری بین مردم چین و رژیم صهیونیستی می‌تواند شبکه اقتصادی کاملی را بین دو طرف ایجاد کند. رژیم صهیونیستی از این رویکرد می‌تواند در چارچوب منافع اقتصادی خود استفاده کرده و تا حد زیادی مناسبات دیپلماتیک و فرهنگی خود با چین را تقویت کند تا به این ترتیب به یک دولت محوری کوچک و شریک راهبردی چین تبدیل شود. در این راستا، بعد از آغاز مناسبات رسمی چین و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۲، رژیم صهیونیستی اصرار زیادی برای فعال‌سازی اقدامات یهودیان در چین در دستور کار خود قرار داد. بی‌تردید، لابی‌های یهودی در چین با تمامی ابزارهای ممکن در حوادث سیاسی اقتصادی و اجتماعی برای فشار بر مخالفان خود و نفوذ بر حامیان پروژه‌های رژیم صهیونیستی در منطقه بر علیه ایران استفاده می‌کند. آن‌ها با لابی خود در چین،

شاخص‌های قدرت جهانی رژیم صهیونیستی را توسعه می‌دهند و ابزار نفوذ بیشتری بر علیه ایران به وجود می‌آورند.

اخلال رژیم صهیونیستی در سرمایه‌گذاری و صادرات انرژی ایران

مناسبات چین با رژیم صهیونیستی هر قدر به سمت تحکیم بیشتر حرکت می‌کند، بر خرید نفت و گاز این کشور از ایران تأثیر می‌گذارد. هر چه قدر که بیشتر روابط چین و رژیم صهیونیستی توسعه می‌یابد، ایران باید بیشتر نگران بازار نفت و گاز چین باشد؛ زیرا اگر تلاش چین بر داشتن مناسبات متوازن با ایران به همراه رژیم صهیونیستی نتیجه ندهد، امنیت انرژی این کشور به خطر می‌افتد. امروزه مهم‌ترین دلیل بازتعریف جایگاه غرب آسیا در سیاست خارجی چین، امنیت انرژی است و امنیت انرژی در وضعیت فعلی یکی از چالش‌های راهبردی پیش‌روی چین به شمار می‌آید و به نظر مثلث روابط متناقض بین ایران، رژیم صهیونیستی و چین این امنیت را به خطر می‌اندازد.

یکی از مناطقی که در سال‌های اخیر در سیاست خارجی چین مورد بازتعریف قرار گرفته است، منطقه خلیج فارس است. این منطقه و کشورهای واقع در آن به دلیل برخورداری از بیشترین ذخایر انرژی، طبعاً از بالاترین قابلیت‌ها در تأمین امنیت انرژی چین و پاسخ‌گویی به نیاز استراتژیک این کشور برخوردارند. چینی‌ها با درک این موضوع در سال‌های اخیر تلاش‌های وسیعی برای ارتقای روابط با کشورهای نفتی این منطقه، به‌ویژه کشورهای اصلی انجام داده‌اند تا در پرتو آن بتوانند سهم خود را از ذخایر این منطقه هر چه بیشتر افزایش دهند. به اضافه اینکه ورود دیر هنگام چین به بازار بسیار رقابتی نفت خلیج فارس (عموماً غرب آسیا) این کشور را ناگزیر می‌نماید که به دنبال منابع و کشورهایی باشد که خارج از دایره سلطه کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا قرار داشته باشند که از جمله ایران با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز و از سویی فشارها و محدودیت‌های بین‌المللی (تحریم‌های چندجانبه)، منبعی نسبتاً مطمئن برای تأمین امنیت انرژی چین می‌باشد (مصلی‌نژاد و حق‌شناس، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

اما در نتیجه بسط مناسبات چین با رژیم صهیونیستی از یک سو و تأمین بخش اعظم نیازهای انرژی این کشور و حفظ روابط دوستانه با کشورهای مهم نفتی منطقه نوعی تعارض پدید می‌آید. مثلث ایران-چین-رژیم صهیونیستی نماد چنین تعارضی است. چین مایل است با این دو بازیگر

مهم غرب آسیا روابط گسترده و مستحکمی داشته باشد، اما از آنجا که این دو رقابت راهبردی تنش آلودی را پیگیری می کنند، تنظیم روابط با آنان برای چین دشوار شده است. رژیم صهیونیستی همواره از روابط روبه گسترش ایران و چین، به ویژه موضع چین در قبال برنامه هسته ای ایران ناراضی بوده و با توسل به ابزارهای مختلف تلاش کرده تا این موضع را تغییر دهد؛ در سال های اخیر بحث هسته ای ایران موضوع نخست مذاکرات سران چین و رژیم صهیونیستی بوده است. در دیدار اولمرت از پکن (۲۰۰۷) و به مناسبت آغاز ۱۵ سال روابط دو طرف صورت گرفت، موضوع هسته ای ایران و انتقال تسلیحات چینی به این کشور در کانون مذاکرات وی با رهبران چین قرار داشت. نقش چین در چنین شرایطی، مدیریت روابط آن با ایران و رژیم صهیونیستی را دشوار می سازد؛ زیرا این کشور با تقاضاهای متعارضی از سوی طرفین مواجه است. بدیهی است ایفای نقش موازنه گر با دشواری های زیادی همراه است (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۹).

مدیریت این مناسبات متعارض چه بسا در طولانی مدت، چین یا مشتریان خصوصی آن را از بازار این کشور دور کند، چرا که امنیت انرژی آن ها را به خطر می اندازد. نگرانی و تردید از بازار انرژی، باعث دوری آن از خرید نفت و گاز ایران و جذب هر چه بیشتر آن به سوی کشورهای نظیر عربستان می شود که تعارضات کمتری با غرب و رژیم صهیونیستی دارد و در سال های اخیر برای توسعه هر چه بیشتر روابط با ایران گام برداشته است. امنیت انرژی برای اقتصاد در حال صعود چین بسیار اهمیت دارد و هر گونه اختلال در جریان انرژی می تواند مشکلات اساسی برای مسیر توسعه اقتصادی و امنیت ملی پکن وجود بیاورد.

روابط چین- رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر منافع و امنیت ایران

ایران به عنوان یک عنصر مهم، کلیدی و تأثیرگذار در مناسبات چین و رژیم صهیونیستی مطرح است و مواضع و اولویت های چین در غرب آسیا اغلب در زمینه های مربوط به ایران و رژیم صهیونیستی تحت تأثیر همدیگر قرار دارد (Efron & et al. 2020) در صورتی که روابط در حال گسترش تجاری، سرمایه گذاری و فناوری رژیم صهیونیستی با چین عمیق تر گردد، این احتمال وجود دارد که چین در بعضی حوزه ها رژیم صهیونیستی را بر ایران ترجیح دهد، چنانچه نفوذ رژیم صهیونیستی در بخش فناوری و مالکیت معنوی می تواند رابطه شرکت های چینی را در این

حوزه با ایران دگرگون سازد. بسیاری از شرکت‌های چینی که در بخش زیرساخت یا سرمایه‌گذاری چین فعالیت دارند، در حوزه تجاری ایران نیز فعال هستند. این خطر وجود دارد که چین شرکت‌های یکسانی در حوزه تجاری ایران و رژیم صهیونیستی به کارگیرد و از این طریق بتواند در درازمدت از آن به عنوان اهرام سیاسی استفاده کند. از ۳۳ شرکت چینی فعال در تجارت با رژیم صهیونیستی، که مؤسسه رند در سال ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار داده است، شرکت (zte) و گروه تونل راه آهن چین نیز در حوزه تجارت ایران فعال هستند. فعالیت تجاری این شرکت‌ها در رژیم صهیونیستی می‌تواند در آینده به حضور آن‌ها در تجارت با ایران ضربه بزند. مثلاً شرکت (zte) در سال ۲۰۱۰ تحریم‌های آمریکا را نقض کرد و دستگاه نظارتی و شبکه‌ای را به ارزش ۱۳۰/۶ میلیون دلار به ایران فروخت (Stecklow, 2012). در صورت پیوند عمیق شرکت‌های تجاری چینی با رژیم صهیونیستی آن‌ها راحت‌تر با تحریم‌های آمریکا همسو خواهند شد. بعلاوه در صورتی که رژیم صهیونیستی در مسیر تجاری «طرح یک کمربند و یک راه جدید» قرار گیرد و خط راه آهن حیفا-خلیج فارس راه‌اندازی شود، نقش خط راه آهن ایران، عراق و سوریه کم‌رنگ خواهند شد. در نهایت تجارت رژیم صهیونیستی با چین توسعه خواهد یافت و طبیعتاً تجارت ایران با چین کاهش می‌یابد.

در واقع موضوع روابط پکن-تل آویو از این جهت برای ایران مهم تلقی می‌شود که در بحث روابط چین-رژیم صهیونیستی مسأله روابط پکن-تهران همواره به عنوان یک مولفه و پارامتر نقش اساسی ایفا نموده است. با توجه به اولویت توسعه اقتصادی چین در سیاست خارجی آن کشور، حمایت سینوسی از نقش ایران از سوی پکن در روابط چین-رژیم صهیونیستی با هدف کسب فن آوری پیشرفته در زمینه‌های مختلف (به خصوص نظامی) و بهره‌گیری از لابی یهودی در بهبود روابط پکن-واشنگتن، نمی‌تواند دور از ذهن بوده باشد. در واقع از منظر منطق رئالیستی، توسعه روابط چین و رژیم صهیونیستی به معنای افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی در سطح منطقه‌ای است. افزایش همکاری‌های چین و رژیم صهیونیستی، تأثیر منفی بر آینده روابط چین و ایران خواهد گذاشت و این بدان معنی است که ایران باید نسبت به افزایش مناسبات بین پکن و تل آویو نگران باشد. نیاز چین به ایران (بیشتر در بخش انرژی) و ایران به چین (حمایت سیاسی-امنیتی) به گونه‌ای است که پکن و تهران را به همکاری بیشتر در آینده ترغیب می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۵).

رفتار چین با ایران در دو دهه اخیر حاکی از نوعی رفتار پراگماتیستی است، در نتیجه اگر رژیم صهیونیستی در آینده‌ای نزدیک، منافع بیشتری برای این کشور فراهم آورد، توسعه و تعمیق روابط با رژیم صهیونیستی را به حفظ روابط با ایران ترجیح دهد. در دوران پس از انقلاب اسلامی، چین مهم‌ترین کشوری بوده که در عرصه‌های دفاعی و امنیتی با ایران همکاری داشته و حجم این همکاری‌ها در مقاطعی نیز با اعتراض طرف‌های غربی به خصوص آمریکا مواجه شده است؛ اما علی‌رغم شکل‌گیری انتظارات فراوان در سطح افکار عمومی بین‌المللی و نیز در ایران مبنی بر روابط گسترده پکن و تهران در این حوزه، واقعیت‌ها و روندهای موجود نشان می‌دهد که روابط دفاعی-امنیتی دو کشور با تأکید بر دو حوزه هسته‌ای و مناسبات نظامی و موشکی با نوسان و سیالیت همراه بوده و اخیراً با کاهش نیز مواجه بوده است. در این خصوص می‌توان به گزاره‌هایی نظیر قرارگیری محور عبری-عربی در (یک کمر بند یک راه)، به عنوان تهدیدی جدی برای آینده ایران در نظم منطقه‌ای، تأکید کرد. در واقع چین این سیاست و استراتژی را برای رهایی از فشارها و تهدیدات غربی پیگیری می‌کند (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۵: ۱۶۸-۱۶۹).

به‌طور کلی، پس از سقوط شوروی، «نگرش غرب آسیای چین» نسبت به شرق آسیا و آسیای مرکزی نیز تغییر کرد. جنگ خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰ نشان داد که حضور چین در منطقه (به‌خصوص خلیج فارس) از قدرتی برخوردار نیست و تحت‌الشعاع حضور آمریکا در منطقه است. با این وجود چین حاضر نشد روابط گسترده خود با آمریکا را فدای روابط با ایران نماید، هرچند که به‌طور حاشیه‌ای سیاست ایران در منطقه را می‌ستاید. چین هیچ‌گاه حاضر نبوده و نیست که رسماً از ایران در مبارزه با حضور بیگانگان (به‌خصوص آمریکا) در منطقه استراتژیک خلیج فارس دفاع کند، زیرا که روابط تجاری گسترده آمریکا و چین خدشه‌دار خواهد شد. چین در روابط خود با ایران احتیاط خواهد کرد، چرا که در شرایط جدید اولویت چین تأمین فن‌آوری و سرمایه از آمریکاست تا روند نوسازی خود را تداوم بخشند (شاهنده، ۱۳۷۸: ۹۴).

همکاری‌ها و مناسبات نزدیک چین و رژیم صهیونیستی سبب می‌شود که معادلات و موازنه مطلوب ایران در منطقه شکل نگیرد. ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در آینده نظام منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار خواهد داد و با افزایش نقش منطقه‌ای ایران، امنیت ملی بهتر تأمین خواهد شد. در حالی که اکنون چین تا حدی از نقش منطقه‌ای ایران حمایت می‌کند، تضمینی

نیست که در آینده با تعمیق بیشتر روابط آن با غرب و رژیم صهیونیستی، از ایده‌های ضدژمونیک انقلاب کمونیستی خود چشم‌پوشی کند. همانطور که این کشور از ایده‌های ایدئولوژیک خود در راستای آرمان فلسطین در سه دهه اخیر عقب‌نشینی کرده است. چین بیشتر به دنبال صلح و ثبات منطقه‌ای است و چندان موافقتی با ایده‌های ایران در مخالفتش با نظم آمریکایی جهان و دشمنی با وابستگان منطقه‌ای آن، یعنی رژیم صهیونیستی ندارد. (Weijian, 2004: 20). از نظر چین، ایران می‌تواند به مقابله با قدرت آمریکا در غرب آسیا کمک کند، زیرا ایران تنها قدرت منطقه‌ای است که متحد آمریکا نیست و اگر چین تصمیم بگیرد که حضور نظامی خود در غرب آسیا را افزایش دهد، ایران می‌تواند نقش مهمی در دستیابی به اهداف ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک پکن ایفا نماید؛ اما نباید چین و ایران را شرکایی برابر بدانیم. چین، در بهترین حالت، ایران را شریکی منطقه‌ای می‌داند. وزن روابط اقتصاد چین با آمریکا (۷۰۰ میلیارد دلار) بر ترازوی اهمیت ایران در نظر چین سنگینی می‌کند. پکن مراقب است که اسباب نگرانی رقبای منطقه‌ای ایران، یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان را فراهم نسازد (اسکوبل و نادر، ۱۳۹۶: ۴۷).

واقعیت آن است بهره‌برداری از لابی و نفوذ رژیم صهیونیستی در بهبود روابط پکن - واشنگتن، مانع از آن می‌شود که چین با آسودگی، همکاری‌های مؤثر و تعیین کننده دفاعی - راهبردی با ایران داشته باشد. به همین منظور، بهره‌برداری از نقش ایران از سوی پکن در روابط با تل‌آویو با هدف کسب فناوری پیشرفته در زمینه‌های مختلف (به خصوص نظامی) و بهره‌برداری از لابی رژیم صهیونیستی در بهبود روابط پکن - واشنگتن، نمی‌تواند در ارتباط با مسئله ایران دور از ذهن باشد. از طرفی، فاکتور رژیم صهیونیستی در اعمال فشار به چین در جهت کاهش همکاری‌های کره شمالی - ایران نیز مطرح نظر قرار دارد (رضایی و وثوقی، ۱۳۹۶: ۳۹).

نتیجه‌گیری

تعمیق مناسبات دوجانبه در حوزه‌های گوناگون می‌تواند روابط تهران با پکن را با تنگناها، چالش‌ها و محدودیت‌هایی از قبیل؛ تشدید شکاف میان ایران و چین، کاهش نقش ایران در موضوع فلسطین، ترغیب چین از سوی رژیم صهیونیستی مبنی بر عدم فروش تسلیحات به ایران، تشکیل گروه‌ها و لابی‌های یهودی علیه منافع ایران در چین، اختلال در بازار فروش نفت و گاز

ایران به چین، همراهی چین با نظم مطلوب منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و عدم حمایت از ایران در برنامه هسته‌ای مواجه سازد. از جمله ویژگی‌های رویکردهای جدید رژیم، ایجاد تنوع بخشی در سیاست خارجی خود و تعمیق همکاری با همه قدرت‌های بزرگ و مناطق کلیدی جهان است. مؤلفه اقتصاد، تلاش پکن برای دستیابی به جایگاه قدرت برتر و همچنین سلسله راهبردهای رژیم صهیونیستی برای بهبود چهره جهانی و موقعیت منطقه‌ای خود از جمله مواردی است که زمینه‌های برقراری و متعاقباً تعمیق همکاری‌های دوجانبه را طی سالیان اخیر فراهم آورده است.

همکاری نظامی و امنیتی چین و رژیم صهیونیستی سابقه بیشتر از رابطه رسمی و دیپلماتیک دارد. هم‌اکنون، رژیم صهیونیستی بعد از روسیه دومین شریک تجاری در بخش نظامی و تجهیزات دفاعی چین است. چین تکنولوژی دفاعی و تجهیزات نظامی غربی را علی‌رغم مخالفت آمریکا از طریق رژیم صهیونیستی خریداری و دریافت می‌کند. هرچند رژیم صهیونیستی برای این مناسبات تحت فشار آمریکا قرار دارد و مجبور است برخی ملاحظات غربی‌ها را مدنظر قرار دهد.

در زمینه فرهنگی و علمی با تبادل استاد و دانشجو و برگزاری کنفرانس‌های علمی مشترک نیز مناسبات طرفین در حال توسعه است. رژیم صهیونیستی از این ابزار به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی دیپلماسی عمومی خود برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی چینی بهره می‌برد. این دیپلماسی مردم با مردم می‌تواند کمک شایانی در تغییر نگرش چینی‌ها در درازمدت از رژیم صهیونیستی به عنوان دنباله رو آمریکا در منطقه باشد.

بررسی رفتار بازیگران مختلف در عرصه نظام بین‌الملل که مستقیماً با راهبردهای امنیتی-سیاسی ایران مرتبط هستند، حائز اهمیت بسیار می‌باشد. به‌رغم تلاش چینی‌ها برای برقراری نوعی توازن میان مناسبات خود با ایران و رژیم صهیونیستی که روابط آن با هریک از این کشورها تأثیر منفی بر مناسبات با طرف دیگر نگذارد، اما مدیریت این مثلث روابط، پیچیده و دشوار است توسعه روابط رژیم صهیونیستی با چین به معنای افزایش نسبی قدرت یک بازیگر متخاصم در نظام آنارشیک بین‌الملل است. با تعمیق مناسبات رژیم صهیونیستی با طرف چینی، توسعه ریزنی تاکتیکی و راهبردی رژیم صهیونیستی با چین افزایش خواهد یافت.

چین برای چند دهه است که ایده‌های ضد هژمونیک و انگاره‌های ایدئولوژیک خود را کم‌رنگ ساخته است. رفتار شناسی چین نشان می‌دهد که سیاست این کشور مبتنی بر رویکرد

پراگماتیستی است که فقط به منافع ملی خود فکر می‌کند و موضوع برنامه هسته‌ای نشان روشنی بر این مدعا است. زمانی هم که صحبت مناسبات و منافع روشنی نظیر رابطه پرسود با آمریکا و رژیم صهیونیستی و حتی عربستان باشد، باید با احتیاط حمایت قاطعانه چین را نسبت به خودمان مطلوب ارزیابی کنیم.

رفتار چین با ایران در دو دهه اخیر حاکی از نوعی رفتار پراگماتیستی است، در نتیجه اگر رژیم صهیونیستی در آینده نزدیک، منافع بیشتری برای این کشور فراهم آورد، توسعه و تعمیق روابط با رژیم صهیونیستی را به حفظ روابط با ایران ترجیح دهد. توسعه روابط چین و رژیم صهیونیستی به معنای افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی در سطح منطقه‌ای است. در واقع، با توجه به توسعه مناسبات دو جانبه در موضوعات گوناگون نمی‌توان آینده این روابط را مقطعی، زودگذر و تاکتیکی تصور کرد.

همکاری‌ها و مناسبات نزدیک چین و رژیم صهیونیستی سبب خواهد شد که معادلات و موازنه مطلوب ایران در منطقه شکل نگیرد. اکنون که چین به صورت کم‌رنگ از نقش منطقه‌ای ضد هژمون ایران حمایت می‌کند، تضمینی نیست که در آینده با تعمیق بیشتر روابط آن با غرب و رژیم صهیونیستی، از ایده‌های ضد هژمونیک انقلاب کمونیستی خود چشم‌پوشی کند. بهره‌برداری از لابی و نفوذ رژیم صهیونیستی در بهبود روابط پکن - واشنگتن، مانع از آن می‌شود که چین با آسودگی، همکاری‌های مؤثر و تعیین‌کننده دفاعی - راهبردی با ایران داشته باشد.

اولین مؤلفه مهمی که در سطح بین‌المللی بر روند نگاه چین به برنامه هسته‌ای ایران تأثیرگذار بوده نقش و جایگاه رژیم صهیونیستی در روابط خارجی چین است. چینی‌ها در سال ۲۰۱۰ از حق و تو در شورای امنیت استفاده نکردند و به قطعنامه‌ای علیه ایران رأی مثبت دادند. این مسئله تا حد زیادی ناشی از فشار رژیم صهیونیستی بود.

رویکرد پراگماتیستی چین در منازعه صهیونیستی - فلسطینی در تعارض با رویکرد آرمانگرایانه ایران است که نگاه کاملاً جانبدارانه به فلسطین دارد. این ایده چینی‌ها که با میانجیگری بین دو طرف یعنی فلسطین و رژیم صهیونیستی صورت می‌پذیرد، برخلاف اصول سیاست ایران است که بر منطق مقاومت در منطقه و در تخصم ریشه‌دار با رژیم صهیونیستی به عنوان یک دولت اشغالگر بنا شده است.

چین هم به لحاظ استعداد زمینی، توان دریایی، قابلیت‌های هوایی و برنامه موشکی و سایبری، توانایی بالقوه‌ای برای همکاری نظامی و امنیتی با ایران دارد، اما این رابطه نیز می‌تواند تحت تأثیر مناسبات این کشور با رژیم صهیونیستی قرار گیرد. در نتیجه می‌توان گفت که رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین موانع و دست‌اندازهای احتمالی همکاری‌های نظامی ایران و چین به شمار می‌آید.

رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا از رابطه با چین برای ایجاد یک لابی قدرتمند حامی در آن به مانند آمریکا بهره‌برداری کند. در نتیجه، بر سیاست منطقه‌ای چین به عنوان یک قدرت در حال صعود و یک هژمون بالقوه آینده، به راحتی می‌تواند تأثیر بگذارند. در مجموع هر مقدار مناسبات چین و رژیم صهیونیستی توسعه بیشتری یابد، ایران باید بیشتر نگران بازار نفت و گاز چین باشد؛ زیرا اگر سیاست چین بر مناسبات متوازن با ایران به همراه رژیم صهیونیستی نتیجه ندهد، امنیت انرژی این کشور به خطر می‌افتد و شاید در آینده چین بازار انرژی ایران را در اولویت فرعی قرار دهد.

پیشنهادهات

انجام تحقیق ویژه درباره چین به عنوان یک قدرت نوظهور و در حال توسعه به منظور تبیین بهترین راهکار جهت تعامل با آن.

تقویت و توسعه روابط با چین در ابعاد گوناگون به گونه‌ای که بر مواضع آن در قبال فلسطین تأثیر مثبت گذاشته و موضع خود در قبال رژیم صهیونیستی را شفاف سازد.

هم‌افزایی و همگرایی بیشتر با کشورهای اسلامی به ویژه «ترکیه، پاکستان و اندونزی» برای توسعه روابط حداکثری با چین و اعمال فشار بر آن، با این هدف که منافع و مصالح پکن در گرو توسعه روابط با جهان اسلام است و نه روابط با رژیم صهیونیستی.

مقاله حاضر متسخرج از طرح تحقیقاتی نگاه به شرق رژیم صهیونیستی بوده و بدین منظور از مساعدت دانشگاه مالک اشتر قدردانی می‌شود.

فهرست منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۵)، «عقلانیت استراتژیک چین و روابط دفاعی - امنیتی با ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۲۱.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و صالحی، سید جواد (۱۳۹۴)، «سیاست کنش متوازن چین و برنامه هسته‌ای ایران»، سیاست جهانی، سال چهارم، شماره ۱.
- اسکوبل، اندرو و نادر، علیرضا (۱۳۹۶)، چین در خاورمیانه: ازدهای محتاط، ترجمه محسن محمودی و جواد عرب یارمحمدی، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۶۹)، «سیاست آمریکا و متحدانش در مورد صدور فنون و تسلیحات پیشرفته به چین»، مجله سیاست خارجی، شماره ۱۳ و ۱۴.
- ایزدی، فواد (۱۳۹۴)، «آمریکا و جهان: چالش فراگیر»، نشریه فرهنگ‌اسلامی، شماره ۲۹.
- پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست خارجی، ۱۳۹۹/۱۰/۹.
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۳۹۶)، چالش‌های نظری عمق‌بخشی دیپلماسی به منظور توسعه انقلاب اسلامی در محیط پیرامون، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۶، شماره ۱۰۱، زمستان.
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۳۹۹)، الگوی دیپلماسی دفاعی ج.ا.ایران در راستای امنیت‌زایی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۳، شماره ۴۸، پاییز.
- حاکم قاسمی (۱۳۸۰)، «بحران دائمی امنیتی رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن»، رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بهمن‌ماه.
- حمید بهزادی، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا، ۱۳۷۳.
- رضائی، مسعود و وثوقی، سعید (۱۳۹۶)، «سنجش روابط دفاعی ایران و چین در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۴.
- رضائی، مسعود و وثوقی، سعید (۱۳۹۵)، «ابعاد و محدودیت‌های روابط نظامی ایران و چین پس از برجام»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۳.
- سیمبر، رضا و قربانی، وحید (۱۳۹۲)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۷.
- شاهنده، بهزاد (۱۳۷۸)، «سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۹-۳۰.
- شبستری بادامچی، سعید (۱۳۸۲)، «نگاهی به روابط چین و رژیم صهیونیستی به مناسبت دهمین سالگرد برقراری روابط»، رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۱۷۴.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹)، «چین و اسرائیل: تجارت راهبردی، بازیگران ثالث»، مطالعات منطقه‌ای، شماره ۳۷.

شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۱) «عوامل تعیین کننده روابط ایران و چین»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴، شماره ۲.

شریعتی نیا، محسن و میرعمادی، طاهره (۱۳۹۴)، «تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین»، مجله روابط خارجی، دوره ۷، شماره ۲۶.

فرانکل، جوزف (۱۳۷۱)، نظریه های معتراض روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی، انتشارات اطلاعات.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۷)، امنیت ملی، مفهوم تنوری و عمل، دو فصلنامه، سیاست کاربردی، سال اول، شماره اول بهار و تابستان.

گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس (۱۳۸۷)، «مناسبات خارجی رژیم صهیونیستی»، پژوهشنامه سیاست خارجی، شماره ۱۰.

مرکز الزيتونه للدراسات والاستشارات، ۲۰۱۹.

ولفرز، آلفرد (۱۳۸۴)، اهداف سیاست خارجی، به ویراستاری ج. باربر و م. اسمیت (ویراستاران) ماهیت سیاستگذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها. ترجمه سیدحسین سیفزاده. تهران: قومس.

منابع لاتین:

- Avigayil, Kadesh (2015) "China-Israel Partnerships Grow Daily", Accelerating Future, November 28,
- Bingbing, W. (2011), Strategy and Politics in the Gulf as Seen from China, Woodrow Wilson International Center for Scholars, Washington, D.C., 10-26.
- Cordesman, A. H. and et al. (2013), "U.S. and Iranian Strategic Competition; Sanctions, Energy, Arms Control and Regime Change", Available at: http://www.csis.org/files/publication/120124_Iran_Sanctions.pdf.
- Colin rabinstein, enhancing Israel-asia relation, the Jerusalem post, desember 31, 2011
- Garver, J. W. (2013), "China- Iran Relations: Cautious Friendship with Americans Nemesis", China Report, Vol. 49, No. 1, pp. 69-88.
- Janathan Adelman and asef romirowsky, asia is becomingisrael s new frontier-her s why, Isranet daily briefing, volume xi , june 27, 2013, p1
- Jeremy rosen Israel and the jews should forget he west, and look east the algemeiner, septamber22,2013
- Goldstein, J. (2004), "The Republic of China and Israel 1911-2003", Israel Affairs, Volume 10, Issue 1-2, pp.223-253.
- Hay, Walid Abdel (2011), "Chinese-Israeli Relations: Markets and Arms", Al Jazeera Centre for Studies, Available at: <http://studies.aljazeera.net>.
- Hindy, Lily (April 6, 2017), "A Rising China Eyes the Middle East", Available at: <https://tcf.org/content/report/rising-china-east/>
- Kemenade, Willem V (2010), "China vs. the Western Campaign for Iran Sanctions", The Washington Quarterly, Vol. 33, No.3, pp. 99-114.
- Li Weijian, "Zhong Dong zai Zhongguo zhanlue zhong de zhongyaoxing ji shuangbian guanxi" [Bilateral Relations Between China and the Middle East and the Importance of the Middle East in China's Strategy], XiYa Feizhou [West Asia and Africa], No. 6, 2004, p. 20.
- Nimrod asulin, Israel looking east: Israel aims to expand ties with china and india, but must not forget America, ynetopinionnews.com.july 18, 2012

- Xian, XIAO (2016), "The "Belt and Road Initiative" and China-Israeli Relations", *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)* Vol. 10, No. 3.
- Yin, G (2010), "Sixty years on Chinese relations with Israel", *West Asia and Africa*, No.4.
- Zhang, Q. ed. (2015), *Annual Report on Israel's National Development*, Beijing: Social Sciences Academic Press.
- Doron Ell. (2019) "Regulation of Foreign Investments and Acquisitions: China as a Case Study," in Assaf Orion and Galia Lavi, eds., *Israel-China Relations: Opportunities and Challenges*, Tel Aviv: Institute for National Security Studies, August.
- Efron, S., Schwindt, K., & Haskel, E. (2020). *Chinese Investment in Israeli Technology and Infrastructure: Security Implications for Israel and the United States*. Rand Corporation.
- Steve Stecklow (2012) "Special Report: Chinese Firm Helps Iran Spy on Citizens," *Reuters*, March 22.
- Koduvayur, Varsha & Daoud, David (2020), "Welcome to a Brand-New MiddleEast", Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/09/30/israel-uae-bahrainpalestinians-peace/>.
- Friedman, Thomas L. (1985-07-22). "Israel and China quietly form trade bonds". *The New York Times*. Retrieved 2008-06-11.
- Weinglass, Simona. "In diplomatic first, Israel to open mission in Abu Dhabi". *The Times of Israel*. Retrieved 28 November 2015.
- Cukierman, Edouard (2016-10-11). "China and Israel's tale of love and high-tech | Asia Times". *Atimes.com*. Retrieved 2017-07-18.
- Zhang Dan (June 6, 2015). "Chinese companies seek tech innovations in Israel". *CCTV*. Archived from the original on June 4, 2015. Retrieved June 2, 2015.
- Bo, Xiang (January 23, 2018). "China Remains Israel's Fastest Growing Source Of Tourists In 2017". *Xinhua*. Archived from the original on January 24, 2018.
- China's Palestine Policy". *The Jamestown Foundation*.
- Yellinek, Roie (2019-01-23). "US-Chinese Competition over the Haifa Port". *Begin-Sadat Center for Strategic Studies*. Retrieved 2020-05-09.
- "China's Fosun to Buy Israeli Co Ahava for \$77 Million". *Jewish Business News*. 2 September 2015. Retrieved 10 September 2015.
- "It's kosher: Israel embraces Chinese investment". *Ejisight*. May 15, 2015. Retrieved 14 May 2015..
- Efron, Shira, Howard J. Shatz, Arthur Chan, Emily Haskel, Lyle J. Morris, and Andrew Scobell, *The Evolving Israel-China Relationship*. Santa Monica, CA: RAND Corporation, 2019.
- Lavi, Galia and Ella, Doron, *Israel-China Ties: A Developing Friendship that is Cause for Concern?*, INSS, November 12, 2018
<https://www.globaltimes.cn/page/202201/1246773.shtml>

